

چگونگی تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر و روند پایان جنگ

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۱۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۶/۲۵

نویسنده: دکتر حسین علایی^۱

چکیده

در تشریح وقایع دوران جنگ تحمیلی، حوادث پس از فتح خرمشهر از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این دوره از جهتی به این دلیل که بخش عمده‌ای از جنگ به خاک عراق کشیده شد و نیز به خاطر بسیج منطقه‌ای و بین‌المللی برای حمایت از عراق بسیار مهم است. این دوره، مملو از تجربیات شیرین و تلخ، پیروزی‌ها و ناکامی‌ها و درس‌هایی است که بررسی کارشناسانه و منطقی آنها می‌تواند راهبردهای روشن و دقیقی را برای تجارب مشابه در آینده در اختیار تصمیم‌گیران کشور قرار دهد. مقاله حاضر، با این نگاه تحولات این دوره را مورد بررسی قرار داده است. مولف که خود از فرماندهان عالی‌رتبه دوران دفاع مقدس و از نزدیک با واقعیات جبهه‌های جنگ درگیر بوده، تلاش داشته تحولات مختلف سیاسی و نظامی این دوره را مورد بررسی قرار دهد.

کلید واژه‌ها: جنگ ایران و عراق، عبور از مرز، سلاح‌های شیمیایی، جنگ

نفtekش‌ها، جنگ شهرها، قطعنامه ۵۹۸

۱. دانشیار دانشگاه امام حسین (ع) و فرمانده سابق نیروی دریایی سپاه پاسداران

آزادسازی خرمشهر شکست اساسی برای عراق بود و موجب شد صدام در هدفش برای جنگ با ایران دچار شکستی تاریخی شود. بیست ماه اشغال خرمشهر، نجات آن را به یک ضرورت حماسی و یک آرزوی حیاتی برای ملت ایران تبدیل کرده بود. از لحاظ سیاسی، فتح خرمشهر بسیار مهم بود و تأثیر فراوان و خوشحال کننده‌ای بر مردم و مسئولین ایرانی بویژه امام خمینی گذاشت (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۱۷).

آزادسازی شگفت‌انگیز خرمشهر، موجب نشاط فراوان در جامعه گردید و روحیه ملی را در ایران بالا برد و مردم را نسبت به پیروزی در جنگ، امیدوار ساخت. جایگاه و اعتبار بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را افزایش داد و شرایط را برای عراق دشوار کرد. فروش نفت ایران افزایش یافت و درآمدهای ایران بهبود پیدا کرد. با فتح خرمشهر، احتمال پیروزی صدام در جنگ تحمیلی، منتفی شد و ایران در مسائل مربوط به جنگ در موضع قدرت قرار گرفت. در محافل بین‌المللی این موضوع مطرح بود که پیروزی ایران در جنگ با عراق به نفع آمریکا و متحدین وی از جمله عربستان که از عراق حمایت می‌کرد نخواهد بود. فتح خرمشهر ماهیت و شکل جنگ را تغییر داد. تا قبل از فتح خرمشهر، هدف صدام و حزب بعث عراق، تضعیف و تسلیم نظام جمهوری اسلامی بود ولی با آزادسازی خرمشهر هدف صدام به جلوگیری از پیشروی قوای ایران در سرزمین عراق تغییر پیدا کرد. در اثنای جنگ وقتی صدام حسین احساس کرد نمی‌تواند به تمام اهداف خود از طریق تهاجم نظامی برسد، جدا کردن بخشی از استان خوزستان از ایران و نیز لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را به عنوان دستاوردهای مهمی تلقی می‌کرد. با فتح خرمشهر همه این اهداف برنامه‌ریزی شده دشمن از بین رفت و احساسی که از بزرگی و عظمت قدرت صدام در خاورمیانه به وجود آمده بود به یکباره فرو ریخت و انقلاب اسلامی را در جایگاه تعیین کننده‌ای در بین ملت‌های منطقه قرار داد. موازنه قوا را به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر داد و منزلت ایرانیان را و قدرت اسلام را که چنین رزمندگان سلحشوری را تربیت کرده در عرصه نظام بین‌المللی ارتقاء داد. آزادسازی خرمشهر، امام خمینی^(ع) را به عنوان رهبری شکست‌ناپذیر که با عرضه دیدگاه‌های اسلامی، توانسته قدرت جدیدی را به ملت ایران ارزانی بخشد، در افکار عمومی جهانیان یکبار دیگر مطرح کرد. مردم لبنان و فلسطین به مبارزه خود در برابر رژیم صهیونیستی امیدوار شدند. فتح خرمشهر، این احساس را در مردم ایران پدید آورد که قدرت ایمان، اراده مصمم و هدایت امام خمینی می‌تواند بر تمام پشتیبانی‌های آمریکا و شوروی و برخی از کشورهای اروپایی و عربی از رژیم بعثی صدام، فایق آید و عظیم‌ترین



قدرت نظامی عربی را در برابر قدرت اسلام و رزمندگان سلحشور ایران ناکام بگذارد. با فتح خرمشهر علائم شکست صدام برای همگان آشکار شد و ظهور قدرت نظامی جدید ایران را که از درون انقلاب اسلامی جوشیده بود، نوید داد. جمهوری اسلامی ایران انتظار داشت با فتح خرمشهر، ارتش عراق از تمام سرزمین‌های اشغالی عقب‌نشینی کند و دولت عراق هم بار دیگر بر اعتبار معاهده ۱۹۷۵ صبحه بگذارد تا راه برای پایان دادن به جنگ باز شود. اما چنین اتفاقی نیفتاد و زمینه برای خاتمه جنگ فراهم نشد. عراق تنها به دنبال آتش‌بس بود و حاضر نبود مسئولیت‌های ناشی از شروع جنگ و عواقب متجاوز بودن را بپذیرد. بنابراین جنگ ادامه یافت.

جنگ پس از فتح خرمشهر

پس از پایان عملیات بیت‌المقدس در سوم خرداد سال ۱۳۶۱، هنوز بیش از هزار کیلومتر مربع از سرزمین‌های ایران از جمله در ارتفاعات حمرین، قلاویزان در جنوب مهران، سومار و نفت شهر در اختیار و تصرف ارتش بعثی باقی مانده بود. از آنجا که با فتح خرمشهر، عمده سرزمین‌های اشغالی ایران با همت و شجاعت رزمندگان اسلام از دست ارتش متجاوز عراق آزاد شده بود، بنابراین چگونگی ادامه جنگ و پایان دادن به آن، از مسائل مهمی بود که باید مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گرفت. پس از فتح خرمشهر، سه راهکار اساسی پیش روی مسئولین کشور قرار داشت:

- الف. پذیرش آتش‌بس و ترک مخاصمه، بدون اعلام پایان جنگ و آغاز مذاکرات سیاسی،
 - ب. ادامه جنگ بدون ورود به خاک عراق و تلاش برای رسیدن به اهداف مورد نظر، و
 - ج. جنگ با ارتش متجاوز تا حصول نتیجه و بدون محدودیت ورود به خاک عراق.
- با فشار نظامی وارد شده به رژیم بعثی عراق در جریان عملیات بیت‌المقدس و عقب‌نشینی برخی از واحدهای ارتش عراق از خاک ایران، صدام حسین از اعلام آتش‌بس استقبال کرد. اما از دید مسئولین ایرانی، پذیرش آتش‌بس به مفهوم فرصت دادن به حکومت عراق به منظور دستیابی به اهداف سیاسی جنگ بود. بنابراین دو جلسه شورای عالی دفاع در حضور امام خمینی تشکیل شد. امام موافق نبودند که نیروهای ما وارد خاک عراق شوند و در عین حال متوقف کردن جنگ را هم قبول نداشتند و می‌گفتند: اگر شما وارد عراق شوید چند اشکال پیدا می‌شود:

الف) مردم عراق تصرف سرزمین خود را تحمل نمی‌کنند و آنهایی که الان با ما هستند



در آن صورت به ما به عنوان متجاوز نگاه می‌کنند. ورود قوای ایران به خاک عراق موجب افزایش انگیزه ارتش بعثی برای جنگیدن می‌گردد. مردم عراق تا الان از صدام حمایت نمی‌کردند چون صدام در خاک ما بود. اما اگر وارد خاک عراق شویم، مردم حمایت می‌کنند و نباید مردم عراق را در مقابل خود قرار دهیم. مردم عراق که با جنگ صدام علیه ایران موافق نیستند، ممکن است با ورود قوای ایران به خاک عراق در پشت سر صدام قرار گرفته و از وی حمایت نمایند.

ب) الان از لحاظ بین‌المللی موضع برحق داریم و متجاوز در خاک ماست. اگر وارد خاک عراق شویم کشورهای جهان، ایران را به اشغالگری متهم می‌نمایند. دنیا ما را به عنوان متجاوز معرفی می‌کند و روی ما فشار تبلیغاتی می‌آورد.

ج) اگر وارد عراق شویم، مردم بی‌گناه عراق آسیب می‌بینند و اذیت می‌شوند. نباید در جنگ، مردم عراق که با ما نجنگیدند، آسیب ببینند، چون مردم عراق در نهایت با ما هستند. د) پس از ورود به خاک عراق، کشورهای عربی در حمایت صدام، صریح می‌شوند و تعصب عربیت خود را نشان می‌دهند. عرب‌ها که متفق نیستند و بعضی‌ها با ما هستند پشت سر صدام قرار می‌گیرند و کار ما دشوار می‌شود.

"به هر حال امام مصلحت نمی‌دیدند که وارد خاک عراق شویم. از طرف دیگر متوقف شدن جنگ را هم قبول نداشتند" (سفیری، ۱۳۷۸: ۹۰). در همین حال فرزند امام^(ع) حاج سید احمد خمینی معتقد بود که پیروزی بزرگ فتح خرمشهر بهترین فرصت برای پایان دادن به جنگ است. ایشان پس از این که احساس کرد امام ممکن است با شنیدن نظر مقامات سیاسی و نظامی کشور از نظر خود عدول کنند، نظرات خود را طی نامه‌ای در هفت صفحه تقدیم امام خمینی کرد (مصاحبه با حجت‌الاسلام سید حسن خمینی، ۱۳۸۹/۸/۱۴).

از محتوای این نوشته بر می‌آید که امام هم موافق با خاتمه جنگ و برقراری صلح بوده‌اند. اما از آنجا که به نظرات مسئولین کشور اهمیت می‌داده‌اند، بنا داشته‌اند با توجه به دیدگاه‌های آنها تصمیم نهایی را بگیرند. ایشان همچنین در مصاحبه‌ای با مجله پاسدار اسلام در این باره می‌گوید: «در مقابل مسائل خرمشهر، امام معتقد بودند که بهتر است جنگ تمام شود، اما بالاخره مسئولین جنگ گفتند که ما باید تا کنار شط‌العرب برویم تا بتوانیم غرامت خودمان را از عراق بگیریم. امام اصلاً با این کار موافق نبودند و می‌گفتند اگر بناست که شما جنگ را ادامه بدهید بدانید که اگر این جنگ با این وضعی که شما دارید ادامه یابد و شما موفق نشوید، دیگر این جنگ تمام شدنی نیست و ما باید این جنگ را تا نقطه‌ای خاص ادامه بدهیم و الآن هم که قضیه فتح خرمشهر پیش آمده، بهترین موقع برای



پایان جنگ است» (خمینی، ۱۳۷۵: ۱۲۵). در مقابل استدلال‌های امام خمینی^(ره) نظامی‌ها با منطق خودشان گفتند: «اگر دشمن بفهمد که ما وارد خاکش نمی‌شویم، احساس امنیت می‌کند. یعنی لازم نیست در مرزهایش نیرو بچیند. نیروهایش را متمرکز می‌کند و در مقاطع مشخصی از نقاط معین به ما حمله می‌کند. منطق نظامی می‌گوید نباید چنین امنیتی به دشمن بدهیم. باید به گونه‌ای باشد که عراق فکر کند تا بغداد هم می‌رویم. حرف اینها از لحاظ نظامی محکم بود. امام با همان سلامت نفس و قاطعیتی که در وجودشان بود و در موارد لازم، استدلال متخصصین را می‌پذیرفتند، قبول کردند و گفتند حرف شما درست است» (رحمانی، ۱۳۸۳: ۷۵). به هر حال امام^(ره) با شنیدن نظرات مختلف و با توجه به دیدگاه خودشان، راه حلی پیدا کردند و گفتند: «در نقاطی وارد شوید که مردم آسیب نبینند». با این رهنمود، عملیات رمضان در منطقه‌ای خالی از سکنه که ارزش استراتژیک داشت و مشکل مردمی هم نداشت، طراحی گردید (رحمانی، ۱۳۸۳: ۷۶). در نهایت امام فرمودند: «اگر از مرز گذشتید باید تا نقطه‌ای معلوم و مستحکم بروید». نظر برخی دیگر از جمله آقای محسن رضایی به این صورت است: «... امام در اندیشه پایان جنگ نبود بلکه اجتناب اولیه ایشان از ورود به خاک عراق، برای متجاوز خوانده نشدن ما بود (رضایی، ...: ۶۷). به این ترتیب ایران عملاً تصمیم به ادامه جنگ با عراق تا آزادسازی کامل سرزمین‌های خود و تحقق کامل اهداف خویش از جنگ گرفت.

عقب‌نشینی ارتش عراق

عملیات بیت‌المقدس، توازن قوا را به نفع جمهوری اسلامی ایران، تغییر داد. رژیم بعثی عراق، احساس کرد که قدرت تهاجمی ایران به گونه‌ای است که می‌تواند سایر سرزمین‌های اشغالی خود را نیز از دست نظامیان متجاوز بعثی آزاد نماید. بنابراین ارتش بعثی دست به یک عقب‌نشینی اجباری از عمده سرزمین‌های اشغالی ایران به خصوص در غرب کشور زد. عراق در روز پنجشنبه ۲۰ خرداد سال ۱۳۶۱ با رعایت آتش‌بس یکطرفه اعلام نمود حاضر است تا دو هفته دیگر نیروهایش را از خاک ایران خارج نموده و قضیه جنگ را به میانجی‌های صلح واگذار کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۹۹). با این تصمیم، نیروهای عراقی در روز شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۶۱ از بسیاری از مناطق اشغالی جنوب و غرب کشور که در آنجا آسیب‌پذیر بودند عقب‌نشینی و شهر سومار را نیز تخلیه کردند (همان، ۱۰۱). امام خمینی در واکنش به اعلام آتش‌بس از سوی عراق در سخنانی خطاب به فرماندهان نیروی زمینی ارتش در ۱۳۶۱/۳/۲۲ فرمودند: «شما می‌دانید که ما از اولی که این جنگ



شروع شد تا حالا، چه آن روزی که صدام کوس قادسیه برای خودش می زد و چه امروز که دیگر اسمی از او نیست و رفته است آنجایی که خدا می داند، ما مسائل مان مسائلی بوده است که یکی بوده.... ما از اول می گفتیم که شما ریختید در منزل ما، در شهرهای ما، در کشور ما، حمله کردید و غافلگیرانه وارد شدید در کشور ما و آن همه خرابی کردید و آن همه جرم کردید و آن همه کشتار کردید باید بروید بیرون. یکی از شرایط ما این است که بروید بیرون.... ما می گوئیم شما بدون قید و شرط باید بیرون بروید اگر هم بیرون نروید بیرونتان می کنیم.... اگر می خواهید یک تفاهمی بشود باید بروید بیرون. مسئله دوم مسئله خسارت هایی است که وارد کردند. قضیه جبران خسارت یک جهت مادی دارد، یک جهت سیاسی و معنوی.... یکی از مواردی که باید، جعتی که باید به او جلوگیری بشود این است که همه خسارت هایی که وارد شده باید بدهی. الان می گوئید که ما - دروغی هم می گویند البته - که ما بیرون می رویم و قبول می کنیم فلان، خوب، بسیار خوب، الان بروند بیرون و همین حالا کارشناس ها هم بیایند و جریمه های اینها را ارزیابی کنند که چقدر بوده. یک گروه دیگر هم بیایند و ارزیابی کنند که کی مجرم است. ما اگر مجرم را امروز رهایش کنیم، امروز که ما قدرت داریم جسور می شود.... آتش بسی هم که الان اینها دارند اظهار می کنند، همان وقت هم که آتش بس کنند ۳ ساعت بعدش آبادان را تیرباران می کنند و آدم می کشند.... همان کارهایی که از اول به آبادان می کردید حالا هم همان کارها را دارید می کنید و این آتش بس نیست.... در همین ۱۵ روزی که اینها بنا دارند - فرض کنید که دروغ نمی گویند - می خواهند بروند، در عرض این، بیاید یک گروه مورد توجه همه، بین المللی، بیاید رسیدگی کند به این جرم هایی که اینها کرده اند. به این خسارت هایی که به شهرهای ما وارد شده، به روستاهای ما وارد شده. البته یک خسارت هایی به ما وارد شده است که قابل جبران نیست و آن جوان های ماست» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۳۱۶ - ۳۲۱). علاوه بر شرایط فوق، ایران برای برقراری صلح پیشنهاد کرد که رژیم عراق اجازه دهد که نیروهای ایران از خاک عراق عبور کرده و به کمک مردم لبنان در برابر تجاوز اسرائیل بشتابند و همچنین دولت عراق آورگان عراقی که به داخل خاک ایران فرستاده است، اجازه دهد که به وطن شان برگردند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۰: ۲۵). عراق این شرایط را نپذیرفت. ارتش عراق نقاط حساس و مهم در اطراف مرزهای غربی ایران را در اشغال خود نگه داشت و از نفت شهر هم عقب نشینی نکرد. قوای ارتش عراق به طور کامل به مرزهای رسمی، عقب نشینی نکردند و ارتفاعات و عوارض حساس در درون خاک ایران و در کنار مرزها را همچنان در تصرف خود نگه داشتند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۱۵). برای مثال نقطه

مرزی شلمچه، نقاط مرزی طلائیة و کوشک، ارتفاعات حمیرین، ارتفاعات میمک، نفت شهر و بعضی مناطق دیگر با وسعت ۱۰۰۰ کیلومتر مربع همچنان در اختیار ارتش بعثی باقی ماند. با این اقدام، عراق عمده قوای خود را به جبهه جنوب بخصوص روبروی بصره انتقال داد. در این شرایط صدام رئیس رژیم وقت عراق، به منظور حفظ مناطق فوق و عدم تمکین به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، درخواست آتش بس نمود تا قوای ایران برای آزادسازی سایر سرزمین های ایران، دست به تهاجم نظامی نزنند. ایران درخواست عراق برای آتش بس را نپذیرفت. همزمان با اقدام به عقب نشینی، ارتش بعثی عراق دست به ابتکار جدیدی به منظور ایجاد خطوط مستحکم دفاعی با استفاده از مسلح کردن زمین، در سراسر جبهه ها زد و با آرایش جدید پدافندی وارد صحنه جنگ شد. از این زمان، ارتش عراق استحکامات و موانعی که در خطوط مقدم جبهه های خود ایجاد کرد، تفاوت فاحشی با وضعیت قبل از فتح خرمشهر داشت.

عبور از مرز

از روز آغاز جنگ تا فتح خرمشهر، جبهه های جنگ زمینی در داخل خاک ایران، شکل گرفته بود. هیچ رزمنده ای از ایران در داخل خاک عراق به جنگ با ارتش متجاوز بعثی نمی پرداخت. اگرچه وقتی جنگی آغاز می شود نمی توان هیچ نیروی مسلحی را از ورود به خاک طرف مقابل و جایی که نظامیان کشور خصم در آنجا تجهیز شده و آرایش نظامی می گیرند، بازداشت ولی ایران در تلاش بود تا با فشار نظامی به نیروهای عراقی آنها را از سرزمین خود دور کند اما با پایان نیافتن جنگ پس از فتح خرمشهر، ایران سیاست منع عبور از مرزهای دو کشور را کنار گذاشت و تصمیم گرفت در هر فضایی که نیاز به جنگ باشد وارد شود.

راهبرد دفاع ایستای ارتش عراق

پس از شکست فاحش ارتش عراق در عملیات بیت المقدس و عقب نشینی بخشی از نیروهای عراقی به پشت خطوط مرزی، ارتش عراق به طور کلی روحیه تهاجمی خود را از دست داد. برای عراق مشخص بود که باید خود را برای دفاع از بصره آماده کند زیرا سقوط این شهر معنای دیگری داشت (السامرای، ۱۳۸۸: ۹۹). بر این اساس ارتش عراق تصمیم گرفت تا با اتخاذ راهبرد دفاع ایستا، در پشت سنگرهایی که در دژهای مرزی احداث





۷۰

سال اول
شماره ۴
زمستان ۱۳۹۱

کرده بود، یگان‌های خود را مستقر کرده و در مقابل حملات ایران بایستد. اتخاذ این راهبرد موجب کاهش خسارات و تلفات ارتش عراق می‌گردید و امکان فروپاشی ناگهانی جبهه عراق را کاهش می‌داد. با آزادسازی خرمشهر، ماهیت، انگیزه‌ها و شکل جنگ عوض شد. عملیات رمضان، سرآغاز مرحله جدیدی از جنگ و کشانده شدن آن به خاک عراق و اولین عملیات از سلسله عملیات‌های برون مرزی ایران در خلال جنگ ۸ ساله است. عملیات رمضان پس از بازگشت فرماندهان سپاه و ارتش از سوریه و پس از مخالفت امام خمینی با حضور نیروهای ایران در کشور لبنان، در اواخر خرداد ماه طرح ریزی و در دوشنبه شب مورخ ۲۱ تیرماه سال ۱۳۶۱ و پس از گذشت ۳۸ روز از فتح خرمشهر با رمز یا صاحب الزمان (ع) ادرکنی به مرحله اجرا در آمد. این عملیات پس از گذشت چند ساعت از صدور قطعنامه ۵۱۴ شورای امنیت آغاز شد. اجرای این عملیات روشن می‌کرد که ایران از محتوای قطعنامه صادره از سوی شورای امنیت سازمان ملل، رضایت ندارد. با اعلام ورود نیروهای ایرانی به خاک عراق، بلافاصله سازمان ملل نسبت به آن واکنش نشان داد و به فاصله گذشت ۳۰ ساعت از شروع عملیات رمضان، شورای امنیت با صدور بیانیه‌ای از وضعیت وخیم بوجود آمده بین دو کشور اظهار نگرانی کرد و خواستار آتش‌بس شد که ایران آن را رد کرد (پارسادوست، ۱۳۷۱: ۳۰۵). شورای امنیت سازمان ملل بجز قطعنامه‌ای که در هفته اول آغاز جنگ صادر کرد تا زمانی که فتح خرمشهر صورت گرفت ساکت بود. پس از آن که ستون فقرات نیروهای اشغال‌گر عراق در عملیات بیت‌المقدس شکست و هزاران نظامی عراقی به اسارت درآمدند، این شورا دوباره فعال شد و پس از گذشت نزدیک به ۵۰ روز از آزادسازی عمده سرزمین‌های ایران، قطعنامه ۵۱۴ را در تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۶۱ مطابق با ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ صادر کرد. در این قطعنامه، برقراری آتش‌بس فوری و بازگشت نیروهای دو کشور به پشت مرزهای بین‌المللی، احترام به حاکمیت، تمامیت ارضی و عدم مداخله کشورها در امور یکدیگر مطرح گردیده و بررسی شرایط و اختلافات ایران و عراق، پیش‌بینی شده بود. جالب است که شورای امنیت سازمان ملل در طول حدود ۲۰ ماه از ادامه حضور نظامی ارتش عراق در ایران ساکت بود ولی با گذشت کمتر از ۲ روز از آغاز عملیات رمضان و ورود نیروهای ایرانی به خاک عراق، از خود واکنش نشان داد. در همین حال آمریکا هم با کنایه ایران را از ورود به خاک عراق بر حذر داشت (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۲۴). عملیات رمضان، نتوانست به اهداف تعیین شده خود برسد و منطقه مورد نظر تصرف نشد. این عملیات، دستاوردهای مورد انتظار را در پی نداشت. سپاه در تاریخ ۱۳۶۱/۵/۱۰ تعداد شهدای عملیات رمضان را ۱۵۸۰ نفر و مجروحین را ۱۰۲۰۵ نفر و



تعداد مفقودین و اسرا را ۲۱۰۳ نفر اعلام نمود (فصلنامه نگین، ۱۳۸۷: ۱۲۰). ارتش عراق علاوه بر بسیج واحدهای زمینی خود در جبهه عملیاتی رمضان و بمباران مداوم این منطقه جنگی با هواپیماهای جنگی خود، بمباران شهرهای دور از جبهه را آغاز کرد. جنگنده‌های عراقی در روز چهارشنبه ۱۳۶۱/۴/۲۳ به شهرهای خرم آباد، باختران و ایلام حمله هوایی نمودند و حدود ۴۵ نفر را شهید و صدها نفر را مجروح و ده‌ها خانه مسکونی را ویران کردند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۲۳ و ۱۲۷). با شروع عملیات رمضان، حمله بیشتر به جزیره خارک در دستور کار ارتش عراق قرار گرفت. ارتش عراق در ۱۳۶۱/۴/۲۵ به پرتاب موشک به جزیره خارک اقدام کرد. پس از عملیات رمضان، برای اولین بار پرواز هواپیماهای بمب افکن میگ ۲۵ روسی در آسمان ایران مشاهده گردید و مشخص شد که روس‌ها تعداد بیشتری هواپیماهای پیشرفته و جنگ‌افزارهای جدیدی به عراق واگذار کرده‌اند. پس از انجام عملیات رمضان، ربایش هواپیماهای ایران هم در دستور کار عراق و منافقین قرار گرفت. در حالی که حمله عراق به مناطق مسکونی و چاه‌های نفتی ایران در خلیج فارس ادامه داشت، منافقین در عصر روز چهارشنبه ۱۳۶۲/۴/۱۵ یک فروند هواپیمای مسافربری ۷۴۷ جمهوری اسلامی ایران را با ۳۹۰ مسافر و خدمه از آسمان شیراز ربوده و به کویت بردند. با این اقدام پیچیدگی‌های جنگ افزایش یافت. از این زمان به بعد تکیه بر قدرت سلاح از سوی ارتش عراق توسعه پیدا کرد و تلفات هر عملیات نسبت به عملیات‌های دوره قبل افزایش یافت. کمک‌های تسلیحاتی و مالی کشورهای مختلف از جمله شوروی، فرانسه و کشورهای عربی خلیج فارس به عراق افزایش یافت. توان هوایی عراق توسعه پیدا کرد و جنگ آرام آرام از حوزه جبهه‌های زمینی به خلیج فارس نیز کشیده شد و رژیم صدام به دنبال دستیابی به جنگ‌افزارهای جدید و سلاح‌های مخرب‌تر رفت. قدرت‌های جهانی و سازمان‌های بین‌المللی نیز، تحرک مؤثری از خود، برای پایان دادن به جنگ نشان ندادند. تولید نفت ایران و عراق و درآمدهای ناشی از آن، امکان ادامه جنگ فرسایشی را به طرفین می‌داد. با ادامه حملات عراق به کشتی‌ها و نفتکش‌ها و جزیره خارک، فکر مقابله به مثل در ایران آرام آرام شکل می‌گرفت. در زمستان سال ۱۳۶۲ عراق دومین خط لوله نفتی خود را به ترکیه احداث نمود و خیالش از آسیب‌پذیری نسبت به صدور نفت تا حدود زیادی آسوده شد. با این اقدام توسعه جنگ در خلیج فارس و حمله به تأسیسات نفتی ایران جزء راهبرد اساسی عراق قرار گرفت.

۱. سرعت این هواپیماها در ارتفاع بالا حدود ۲۰۰۰ کیلومتر در ساعت است و در این ارتفاع برد موشک‌های ایران به آنها نمی‌رسید و هواپیماهای ایرانی قادر به تعقیب آنها نبودند.

تغییر در بینش عملیاتی و انجام عملیات‌های خیر و بدر

عملیات‌های رمضان، مسلم ابن عقیل، محرم، والفجر مقدماتی، والفجرهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ که همگی در سال ۱۳۶۱ و اوایل سال ۱۳۶۲ برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا گردید، نتوانست موفقیت‌های نظامی سال دوم جنگ را تداوم بخشد. با ناکامی‌های پدید آمده اختلافات موجود بین ارتش و سپاه نیز آشکار گردید. عمده این اختلاف به نوع تفکر و نیز در نحوه اداره و فرماندهی یگان‌ها در عملیات، باز می‌گشت و از آنجا که رییس جمهور امکان حضور فعال در صحنه را نداشت، این امر موجب شد تا امام خمینی طی حکمی در ۳۰ بهمن ۱۳۶۲ آقای هاشمی رفسنجانی را به سمت «فرماندهی دنباله عملیات والفجر» منصوب کردند (صحیفه امام، ج ۱۸، ۱۳۷۸: ۳۵۵). برای انجام عملیات موفق با چنین وضعیتی یا می‌بایستی در میزان و نوع «تجهیزات و جنگ‌افزارهای» و نیز در تعداد یگان‌های رزمی، تحولی رخ می‌داد و یا اگر امکان افزایش توان رزمی خودی وجود نداشت، باید «ابتکار عمل جدیدی» اتخاذ می‌گردید، به گونه‌ای که ارتش عراق از قبل درباره آن تدبیر جدید چاره‌اندیشی نکرده باشد. بنابراین برنامه‌ریزان عملیات یا بایستی مانور را تغییر می‌دادند یا زمین جدید و متفاوتی را برای انجام عملیات در نظر می‌گرفتند. برای برون رفت از این بن‌بست، توجه فرماندهی سپاه به منطقه هورالهویزه معطوف شد. دو عملیات خیر و بدر به ترتیب در روز سوم اسفند ماه سال ۱۳۶۲ و در ۲۰ اسفند ۱۳۶۳ در هور انجام شد. ارتش بعثی در جریان عملیات خیر از سلاح شیمیایی به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای مقابله با رزمندگان پیاده استفاده نمود. بر اثر حملات شیمیایی در روزهای اول عملیات خیر ۴۰ نفر از رزمندگان اسلام شهید و ۲۷۰۰ نفر آنها مصدوم گردیدند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۳۱). پس از عملیات خیر، استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی از سوی ارتش بعثی عراق در هر عملیات ادامه یافت و به مرور بر حجم و تنوع گازهای شیمیایی بکار رفته افزوده شد. عملیات خیر نتوانست به هدف اصلی خود که بستن جاده بصره - عماره بود دست یابد. اما در حین عقب نشینی از شرق دجله طی سه هفته نبرد سنگین، منطقه‌ای در آبگرفتگی هور به وسعت حدود ۱۰۰۰ کیلومتر مربع به همراه جزایر مجنون شمالی و جنوبی که دارای ذخایر عظیم نفت بود به تصرف درآمد. دو جزیره مجنون در مجموع ۱۶۰ کیلومتر مربع وسعت داشتند. عملیات بدر هم نتوانست اهداف عملیات خیر را تکمیل کند و قرین موفقیت نشد. گرچه عملیات بدر نتوانست به اهداف برنامه‌ریزی شده خود دسترسی پیدا کند، اما تصرف دوباره منطقه اطراف رودخانه دجله و رسیدن به جاده بصره - عماره نشان داد که ایران قادر است از موانع، استحکامات و مواضع ارتش عراق عبور نموده و نقاط حساسی از سرزمین



قوای متجاوز را به کنترل خود در آورد و با این اقدام می‌تواند به طور مرتب فشار نظامی بر روی دولت عراق وارد نماید تا آن کشور را به پذیرش شرایط ایران برای خاتمه دادن به جنگ وادار بنماید. در حین عملیات بدر حمله عراق به شهرهای ایران افزایش یافت و تهران هم مورد حمله هوایی قرار گرفت. اولین حمله موشکی ایران در پاسخ به حملات عراق به شهرها در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۰ همزمان با آغاز عملیات بدر با پرتاب یک فروند موشک اسکاد بی به شهر کرکوک عراق انجام شد. این موشک به یکی از سالن‌های بزرگ کارخانه سیمان کرکوک اصابت کرد. با حمله عراق به تهران، امام خمینی از تاریخ سه شنبه ۲۱ اسفند ۱۳۶۳ منع حمله به بغداد را برداشتند و طی پیام شفاهی به رهبران شوروی از دادن امکانات موشکی به عراق انتقاد کردند. حملات عراق به مناطق مسکونی آن قدر توسعه یافت که سازمان ملل درخواست آتش‌بس در مناطق مسکونی را در ۱۳۶۳/۱۲/۲۱ به دو طرف ارائه داد. ایران این درخواست را بلافاصله پذیرفت. به هر حال طرح‌ریزی دو عملیات خیبر و بدر به منظور بدست گرفتن ابتکار عمل در جبهه‌های جنگ، صورت گرفت اما انجام این دو عملیات نتوانست به تغییر چشمگیر و مهمی در صحنه جنگ منتهی شود و نتیجه مهمی از تحول در تدبیر نظامی حاصل نشد. زیرا قوای ایران نتوانستند مناطقی را که تصرف کرده بودند نگه دارند و به همه اهداف خود دسترسی پیدا کنند. بنابراین می‌توان گفت که گرچه این دو عملیات از نظر نظامی و تاکتیکی ارزشمند بودند اما تأثیر چندانی در سرنوشت سیاسی جنگ، از خود برجای نگذاشتند.

انتقال منافقین از فرانسه به عراق

با طولانی شدن جنگ، هر دو کشور ایران و عراق به فکر استفاده بیشتر از مخالفین یکدیگر در جبهه‌ها افتادند. مهم‌ترین تشکیلات مخالف جمهوری اسلامی که دارای سازمان مناسب و انگیزه کافی برای رویارویی با انقلاب اسلامی بود سازمان مجاهدین خلق بود که تشکیلات مرکزی خود را به فرانسه منتقل کرده بود. در اواخر زمستان سال ۱۳۶۲ طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق در سفر به فرانسه با مسعود رجوی رئیس سازمان منافقین ملاقات نمود. از این زمان، تحولی در استفاده از نیروهای این سازمان برای جنگ در کنار نظامیان عراقی علیه ایران به وجود آمد. از آغاز جنگ، سازمان منافقین به کسب اطلاعات از داخل ایران و جاسوسی برای رژیم عراق و نیز انجام عملیات تروریستی علیه مسئولین و مردم انقلابی ایران می‌پرداخت، اما با توافق با عراق قرار شد این سازمان دفتر مرکزی خود را به عراق منتقل نماید. عراق چند پادگان از جمله اردوگاه اشرف در حوالی بغداد را در اختیار منافقین



گذاشت تا علاوه بر ادامه فعالیت‌های قبلی، یک سازمان نظامی را نیز به وجود آورند و با استقرار دائمی در داخل خاک عراق، به عنوان پیاده نظام و پیشمرگان ارتش بعثی عراق علیه ایران در جبهه‌های جنگ وارد عمل شوند. پس از گذشت مدتی از استقرار رسمی سازمان منافقین در عراق، ارتش آزادیبخش ملی متشکل از نیروهای این سازمان با کمک ارتش عراق در ۲۹ خرداد سال ۱۳۶۶، تشکیل شد. با تشکیل این ارتش، راهبرد منافقین از کمک رسانی جاسوسی به ارتش عراق به راهبرد شرکت مستقیم در جبهه‌های جنگ تغییر کرد. دو هفته پس از تشکیل این ارتش، سرکرده منافقین با صدام ملاقات نمود و هماهنگی‌های لازم با رئیس جمهور عراق صورت گرفت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲۸۱). تشکیل این ارتش حکایت از برنامه عراق برای تهاجم مجدد به خاک ایران می‌داد.

جنگ نفتکش‌ها

پس از عملیات خیبر جنگ علیه نفتکش‌های حامل نفت ایران در خلیج فارس هم در دستور کار نیروی هوایی ارتش عراق قرار گرفت. از ابتدای جنگ، نیروی هوایی ارتش عراق به تأسیسات نفتی و به جزیره خارک و پایانه‌های صدور نفت ایران حمله می‌کرد اما از اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۳ حمله به نفتکش‌ها از سوی دولت عراق آغاز شد. با اتخاذ سیاست جنگ نفتکش‌ها، اولین کشتی بزرگ نفتکش به نام سفینه‌العرب با ظرفیت ۳۴۰ هزار تن در روز پنجشنبه ۶ اردیبهشت مورد حمله عراق قرار گرفت و یک نفر از سرنشینان آن مفقود گردید. تا زمانی که عراق به کشتی‌های تجاری عازم بندر امام خمینی حمله می‌کرد، ایران از مقابله به مثل خودداری می‌کرد. اما با گسترش حمله نیروی هوایی عراق به نفتکش‌های حامل نفت جمهوری اسلامی، مسئولین ایرانی در تاریخ ۱۳۶۳/۲/۲۱ تصمیم به مقابله به مثل در برابر حمله به نفتکش‌ها گرفتند. تا پایان جنگ یکی از نگرانی‌های اساسی ایران جنگ نفتکش‌ها بود که سرانجام پای قدرت‌های بزرگ را به خلیج فارس باز کرد و کشورهای دیگر را نیز در مسئله جنگ درگیر نمود.

ماجرای مک فارلین

در جریان جنگ تحمیلی، ایران تحت تحریم تسلیحاتی امریکا قرار داشت و امکان خریدهای نظامی به صورت مستقیم از کشورهایمانند آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی نظیر فرانسه و انگلیس برای قوای مسلح ایران وجود نداشت. نیاز آمریکا و ایران به یکدیگر در آن مقطع زمانی، جریانی از مذاکره غیرمستقیم بین آمریکا و ایران و تبادل سلاح با گروگان



۷۴

سال اول
شماره ۴
زمستان ۱۳۹۱

را بوجود آورد که از آن به عنوان ماجرای مک فارلین و ایران گیت یاد می‌شود. در مجموع در ماجرای مک فارلین که از اوایل سال ۱۳۶۴ تا اوایل نیمه دوم سال ۱۳۶۵ در جریان بود، ایران موفق شد تعداد زیادی از گروگان‌های آمریکایی در لبنان را از طریق مذاکره با گروگان گیران آزاد نموده و در ازای آن، حدود ۲ هزار موشک تاو و چند هزار قطعه یدکی ریز و درشت موشک‌های هاگ دریافت نماید (مصاحبه با محسن رضایی: ۱۳۸۹).^۱ ایران بابت خرید این اقلام بیش از ۲۲ میلیون دلار از طریق واسطه به آمریکا پرداخت نمود (هاشمی و حمیدی، ۱۳۸۸: ۲۰۹). البته آقای هاشمی رفسنجانی می‌گوید همه معامله ایران با آمریکا ۲۱ میلیون دلار بود که بدلیل گرانی، ایران مبلغ ۶ میلیون دلار آن را پرداخت نکرد (هاشمی، ۱۳۸۸: ۸۵). ایشان همچنین در مصاحبه با کیهان هوایی در ۱۱ فروردین ماه ۱۳۶۶ می‌گویند: «به محض اینکه ایران دریافت که آمریکایی‌ها می‌خواهند این سلاح‌ها را به قیمت بیشتر بفروشند، تصمیم گرفتیم ۱۴ الی ۱۴/۵ میلیون دلار از کل مبلغ را نپردازیم» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۹: ۴۷).

برنامه‌ریزی برای وارد کردن ضربه نهایی

با تدبیر امام خمینی (ره) در ۱۳۶۴/۶/۲۶ ایران به منظور افزایش توان رزمی خود در جبهه‌های جنگ، به تشکیل سه نیروی زمینی، دریایی و هوایی در سپاه پاسداران دست زد و عزم خویش را برای مقابله جدی‌تر با ارتش عراق نشان داد. با این اقدام ساختار سپاه، شکل نظامی‌تری به خود گرفت و ایران عملاً دارای دو سازمان نظامی رسمی با نام‌های ارتش و سپاه گردید. از این سال به بعد هر یک از این دو سازمان با فرماندهی مستقل، عملیات مجزایی را طرح‌ریزی و به مرحله اجرا درآوردند و به یکدیگر کمک نیز می‌کردند. ولی هیچگاه تمام توان و ظرفیت‌های دو سازمان در کنار هم برای انجام مشترکی به کار نمی‌رفت. گرچه در این سال برتری در جبهه‌های جنگ با ایران بود اما استعداد و ظرفیت جنگی عراق نسبت به ایران بطور فاحشی بیشتر بود. ایران تنها با ابتکار عمل و از طریق غافلگیری توانست برتری رزمی موضعی خود نسبت به ارتش عراق را حفظ نماید. در زمستان سال ۱۳۶۴، ایران به دنبال آن بود که با انجام یک عملیات سرنوشت ساز، ضربه نهایی به رژیم بعثی عراق وارد نماید تا با نیل به اهداف خود به جنگ پایان دهد. بدین منظور نبرد فاو در ششمین سال جنگ تحمیلی و در روز ۲۰ بهمن سال ۱۳۶۴ در مرز جنوبی استان خوزستان

۱. در مذاکره نگارنده با آقای محسن رضایی فرمانده وقت سپاه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۱ تعداد موشک‌های تاو دریافتی چند عدد ذکر شد.



و در جنوب جزیره آبادان، صورت گرفت. آقای هاشمی رفسنجانی در جلسه‌ای قبل از آغاز عملیات والفجر ۸ در جمع فرماندهان در دزفول گفت: «شما از اروندرود عبور کنید و به آن طرف بروید و منطقه فاو را تصرف کنید، ما جنگ را تمام می‌کنیم. این عملیات در منطقه بسیار حساسی انجام شد زیرا از یک طرف در ناحیه مرزی اروندرود انجام گرفت که رژیم بعثی عراق به بهانه تسلط بر آن، جنگ با ایران را آغاز کرده بود و از طرف دیگر، منطقه نبرد در تنها مسیر ارتباطی کشور عراق با دریای خلیج فارس تعیین شده بود به طوریکه توانست ارتباط بندر ام‌القصر را از طریق خور عبدالله با خلیج فارس، مسدود نماید. از سوی دیگر تنها اسکله‌های نفتی عراق به نام سکوه‌های البکر و الامیه در محدوده این منطقه قرار داشتند که با انجام این عملیات شرایط برای نیروهای مستقر در آنها دشوار شد. فتح فاو نشان داد جمهوری اسلامی توانایی تداوم جنگ جهت تحمیل شکست نظامی بر ارتش عراق را دارد و پیروزی ایران در جنگ، اجتناب ناپذیر است و طولانی شدن جنگ می‌تواند شرایط را به نفع ایران تغییر دهد. عملیات والفجر ۸، امیدواری ایران به راه حل نظامی برای خاتمه دادن به جنگ را افزایش داد. از نگاه ایران، چند پیروزی مشابه و پشت سر هم مانند فاو می‌توانست به سرعت جنگ را خاتمه دهد. عملیات والفجر ۸ به دلیل نوع طراحی، اهمیت زمین منطقه عملیات، سرعت عمل در اجرای طرح عملیات، انتخاب تاکتیک‌های مناسب و مخصوص به خود برای پیروزی بر دشمن، غافلگیر نمودن دشمن و همچنین توان پایداری و مقاومت طولانی در برابر پانک های دشمن به مدت ۷۵ روز، یکی از جذاب‌ترین و مهم‌ترین نبردها در دوران هشت ساله حماسه دفاع مقدس است. عملیات والفجر ۸ یک بار دیگر توازن قوا را به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر داد. البته این برتری نظامی نه بر اثر افزایش تجهیزات و توان رزمی تسلیحاتی، بلکه بر اساس ابتکار عمل و نوع طرح‌ریزی عملیات و به کارگیری مفید توان رزمی موجود، علیه دشمن به وجود آمد. در تمام دوران جنگ، ارتش عراق از نظر توان رزمی و میزان تجهیزات و تسلیحات و تنوع آنها، بر قوای جمهوری اسلامی ایران برتری داشت. این برتری نظامی، به خاطر برتری مطلق هوایی، برتری زرهی، برتری آتش توپخانه و نیز برتری تعداد یگان‌های مانوری و حتی برتری تعداد سربازان موجود در جبهه‌های جنگ، بوده است. آنچه عملیات والفجر ۸ را برجسته و نمایان می‌سازد این است که در طرح‌ریزی این عملیات به نوعی تلاش شد که برتری‌های ارتش صدام، در موضوعات فوق، ناکارآمد گردد و رزمندگان اسلام، زمین و منطقه‌ای را برای جنگیدن انتخاب کنند که دشمن نتواند از همه ظرفیت خود در جنگ علیه رزمندگان اسلام استفاده کند و برعکس همه ظرفیت و توان رزمی جمهوری اسلامی ایران، در آن منطقه به

کار آید. سال ۱۳۶۴ با جداسازی آمریکا از عراق در جریان مک فارلین و نیز انجام عملیات فاو، سال موفقی برای ایران محسوب می‌گردد. از دید فرماندهان ارتش عراق، انجام عملیات فاو، دشنه و خنجری در قلب رهبری عراق محسوب می‌شد (Washington.D.C, 2009: 75). پیروزی در عملیات فاو فرصت سیاسی عظیمی را برای ایران فراهم آورد. جمهوری اسلامی می‌توانست با تکیه بر این پیروزی، پرچم صلح به دست گرفته و پیشنهادات خود را برای خاتمه دادن به جنگ به مجامع بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل ارائه دهد. اما دستگاه سیاست خارجی ایران نتوانست از این فرصت طلایی استفاده کند و دولت عراق را در افکار عمومی و در محافل دیپلماتیک منفعل نماید. برای مثال ایران می‌توانست طرح صلحی را به شورای امنیت سازمان ملل ارائه و پذیرش آن از سوی عراق را شرط عقب‌نشینی از فاو قرار دهد. این طرح می‌توانست به این شرح تنظیم شود:

۱. آتش‌بس، ۲. پذیرش معاهده ۱۹۷۵ از سوی عراق، ۳. مبادله اسرا، ۴. تعیین متجاوز، ۵. عقب‌نشینی به مرزها بر اساس معاهده ۱۹۷۵ ظرف یک ماه، ۶. تعیین خسارت جنگ و مشخص کردن سازوکاری برای پرداخت آن از سوی عراق.

به هر حال پیروزی نظامی در عملیات فاو نشان داد تا طرحی سیاسی برای پایان دادن به جنگ وجود نداشته باشد، موفقیت نظامی هر چند هم بزرگ باشد نمی‌تواند موجب خاتمه جنگ شود. در سال پنجم و ششم جنگ، حمله عراق به جزیره خارک و حمله به تأسیسات نفتی ایران ادامه داشت و از این ناحیه فشارهای زیادی به ایران وارد شد. با مایوس شدن ارتش عراق از تصرف و بازپس‌گیری شهر فاو، برنامه‌ریزی جهت درگیر کردن قوای ایران در جبهه‌های دیگر و ایجاد یک فشار روانی گسترده بر قوای ایران در دستور کار ارتش بعثی قرار گرفت. بر این اساس، لشکر ۱۷ ارتش عراق در ساعت ۲ بامداد روز شنبه مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۷ با ۵ تپ پیاده و ۲ تپ زرهی و مکانیزه اقدام به حمله به منطقه عملیاتی والفجر ۳ نمود و توانست شهر مهران و ارتفاعات اطراف آن را که قبلاً در عملیات والفجر ۳ آزاد شده بود، بار دیگر به اشغال خود در آورد (حاجی خداوردی‌خان، ۱۳۸۹: ۲۵۶). پس از اشغال مهران، امام خمینی (ره) اصرار به بازپس‌گیری آن داشتند و از فرمانده جنگ آن را پیگیری می‌کردند. بر همین اساس بلافاصله آزادسازی شهر مهران در دستور کار قرارگاه نجف سپاه قرار گرفت. عملیات آزادسازی مهران با رمز یا ابوالفضل العباس ادراکنی از ساعت ۲۲:۲۰ دوشنبه شب مورخ ۱۳۶۵/۴/۹ آغاز گردید و با موفقیت انجام شد. از سوی دیگر عراق تصمیم گرفت تا استعداد لشکرهای گارد را به دو برابر افزایش دهد تا قدرت ضربتی توان رزمی خود را بالا ببرد.



کاهش قیمت نفت و فشار بر اقتصاد کشور

ایران در سال ۱۳۶۵، در تنگنای اقتصادی شدیدی قرار گرفت و روزهای دشواری را در جنگ سپری کرد. میزان تولیدات صنعتی و کشاورزی کشور رو به کاهش بود. فشار مالی، دولت را بیش از هر زمان دیگر تحت فشار قرار داده بود. نرخ تورم و بیکاری افزایش یافته بود و اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگر به درآمدهای نفتی متکی شده بود. مدیریت اقتصادی جنگ به درآمدهای ارزی برای تأمین هزینه‌ها و حصول فوری این درآمدها نیاز داشت. افزایش عرضه نفت از سوی حامیان صدام به ویژه کشور عربستان و همچنین کندی رشد تقاضای جهانی برای انرژی، موجب شد تا قیمت نفت در سرازیری سقوط و کاهش مستمر قرار گیرد. در این شرایط قیمت هر بشکه نفت ایران برای فروش تا هر بشکه به ۶ دلار نیز رسید. علاوه بر این، خریداران و متقاضیان نفت خام نیز شرایط خود را به دلیل ناامن بودن بنادر صادرات نفت ایران، سخت کرده بودند و از ایران می‌خواستند تا نفت خود را در بندرهای مقصد به آنها تحویل دهد. در آن شرایط، رفت و آمد کشتی‌های نفتکش به دلیل حملات مداوم نیروی هوایی ارتش بعثی به سکوها و بنادر نفتی ایران، با خطر توأم بوده و آنها حق ریسک و بیمه بیشتری دریافت می‌کردند. ایران مجبور بود تا نفت خود را از جزیره خارک به نفتکش‌های بزرگی که به عنوان انبار ذخیره عمل می‌کردند به تنگه هرمز انتقال دهد تا از آنجا خریداران نفت آن را به سوی کشورهای خود حمل کنند. این اقدام سالانه ۳۰۰ میلیون دلار برای ایران هزینه اضافی در بر داشت. در سال ۱۳۶۵، درآمدهای نفتی کشور به شدت سقوط کرده بود. برخی کاهش قیمت نفت را توطئه‌ای جهت بازداشتن ایران از ادامه جنگ می‌دانستند (هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۷۷). این وضعیت موجب افزایش مشکلات اقتصادی ایران شد. در سال ۱۳۶۵ یک سوم بودجه کشور به مصرف نیروهای مسلح می‌رسید و در سال ۱۳۶۶ علاوه بر بودجه جاری برای نیروهای مسلح اعم از ارتش و سپاه، ۷۰ میلیارد تومان که تقریباً یک چهارم از کل بودجه است برای جنگ اختصاص یافت. همچنین یک سوم از امکانات ارزی کشور در این سال به جنگ اختصاص یافت (پیشین، ۵۰). کاهش درآمدهای نفتی ایران در اواخر سال ۱۳۶۵ باعث شد تا ایران برای بودجه سال بعد خود اعتبارات عمرانی را کاهش داده و یارانه برق و سوخت را حذف نماید و استقراض از بانک مرکزی را افزایش دهد. فشار اقتصادی باعث شد تا اعتبار وزارتخانه‌های نیرو از بودجه دولت نفت حذف شده و به آنها اجازه داده شود تا با گران کردن محصولات خود درآمد کسب کنند.



عملیات سرنوشت‌ساز

با پیروزی چشمگیر ایران در عملیات فاو و روشن شدن ظرفیت و توانایی ایران در انجام عملیات‌های نظامی موفق، آمریکا و شوروی با هم توافق کردند اجازه ندهند عراق در جنگ شکست بخورد. آنها علیرغم نگرش‌های متفاوت و اختلاف و رقابت بر سر مسائل بین‌المللی، گرایش زیادی از خود به نفع عراق نشان دادند. امام خمینی (ره) سال ۱۳۶۵ را سال پیروزی نام گذاشتند و مسئولین کشور نیز انتظار داشتند با انجام عملیات سرنوشت، تا پایان این سال به اهداف جنگ دست یابند. بدین منظور عملیات کربلای ۴ در تاریخ سوم دی ماه سال ۱۳۶۵ در منطقه‌ای به عرض حدود ۴۰ کیلومتر از پاسگاه زید عراق در شمال شلمچه تا تقاطع رودخانه‌های اروند و کارون و در حد فاصل سپاه‌های سوم و هفتم ارتش عراق، با رمز یا محمد(ص) انجام شد. عملیات کربلای ۴ با هدف تصرف منطقه ابوالخصب و محاصره نیروهای مستقر در شبه جزیره فاو و تهدید بصره از جنوب، طرح‌ریزی گردید. با اجرای این عملیات، سرزمین منطقه عملیاتی والفجر ۸ یعنی شبه جزیره فاو را که در تصرف ایران بود به جنوب بصره وصل می‌شد و کل اروندرود را به تصرف قوای ایران در می‌آورد. این عملیات تکمیل‌کننده اهداف عملیات والفجر ۸ بود و قرار بود تا با انجام آن، همه منطقه جزیره فاو آزاد گردد و موقعیت ایران در خلیج فارس بیش از پیش تقویت شود. با انجام عملیات کربلای ۴، سرپل تصرف شده در منطقه فاو توسعه یافته و از خطر بازپس‌گیری توسط ارتش بعثی عراق، نجات می‌یافت. اما این عملیات موفقیتی را در بر نداشت و موجب شد ارتش عراق با کسب موفقیت بزرگی، حمله قوای ایران را متوقف نماید، عراق این عملیات را «روز بزرگ» نامید. در این عملیات حدود ۱۰۰۰ نفر از رزمندگان شهید و نزدیک به ۲ هزار نفر مفقود و حدود ۱۱ هزار نفر هم مجروح گردیدند. شکست عملیات با آن همه امکانات و تبلیغات برای مسئولین کشور و فرماندهان صحنه عملیات بسیار تلخ و آزار دهنده بود. روحیه نیروهای خودی به شدت پایین آمد و امید به نتیجه عملیات سرنوشت‌ساز، ضعیف‌تر شد. روحیه ارتش عراق بالا رفت و به نیروهای عراقی تلفات چندانی وارد نشد. عراق از ناکام گذاشتن عملیات ایران، بسیار خرسند شد و شکست تهاجمی ایران را جشن گرفت (همان: ۳۹۹ و ۴۰۴). این عملیات موجب شد عراق احساس نماید که قادر است هرگونه تهاجم ایران را دفع کند. ناکامی در عملیات کربلای ۴، به شکل نامطلوبی موقعیت برتر جمهوری اسلامی ایران را که با فتح فاو حاصل شده بود، تحت تأثیر قرار داد. عدم



موفقیت در این عملیات، تأثیر روحی فراوانی در بین فرماندهان، بخصوص «فرماندهی جنگ» بوجود آورد. انجام عملیات کربلای ۵، می‌توانست تا حدودی بحران روحی ناشی از عدم موفقیت و ناکامی در عملیات کربلای ۴ را جبران نموده و آن را پشت سر بگذارد. از سوی دیگر در آن زمان، دشمن بطور مرتب به مراکز صنعتی کشور، نیروگاه‌های برق، کارخانه‌ها، ایستگاه‌های راه آهن و قطارها و پادگان‌های نظامی، حملات هوایی انجام می‌داد، به طوری که شرایط به گونه‌ای شده بود که اکثر نیروگاه‌های برق کشور با نیمی از ظرفیت خود کار می‌کردند. کمبود برق باعث شده بود مردم اکثر نقاط کشور روزانه حدود سه ساعت برق نداشته باشند در این شرایط و در فقدان راه حل سیاسی برای پایان دادن به حملات ارتش عراق، فشار برای انجام یک عملیات بزرگ در جبهه‌های جنگ به منظور پاسخ دادن به شرارت‌های دشمن، بر روی رزمندگان اسلام زیاد بود. نظر امام خمینی بر این بود که هر کجا می‌خواهید عمل کنید ولی به دشمن زمان و فرصت ندهید. بنابراین عملیات کربلای ۵ برای جبران ناکامی عملیات کربلای ۴ و در منطقه شلمچه طرح‌ریزی و در نیمه شب ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ در منطقه شرق بصره به مرحله اجرا درآمد. این عملیات یکی از سخت‌ترین، معروف‌ترین، دشوارترین و به یاد ماندنی‌ترین عملیات‌هایی که در دوران جنگ، صورت گرفته و توانسته ذهن بسیاری را به خود مشغول نماید. در این عملیات بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک عراق به تصرف قوای ایران درآمد و استعدادی در حدود ۵۵ تیپ تا حدود زیادی منهدم گردید و به ۸۷۰ دستگاه تانک، ۱۸۰ قبضه توپخانه صحرایی و ۱۰۰۰ دستگاه خودرو آسیب وارد شد. حدود ۳۰ هزار نفر از نظامیان عراقی کشته و تعداد بیشتری زخمی شدند و ۳۰ هواپیمای دشمن آسیب دید و ۷ فروند بالگرد دشمن نیز ساقط شد. پس از ۴۵ روز جنگ، ارتش عراق به منظور جلوگیری از انهدام بیشتر، دست از جنگ کشید (غلام‌پور، ۱۳۸۸: ۲۸۶). همچنین ۲۳۰ دستگاه تانک، ۲۰ قبضه توپ، ۲۰۰ دستگاه خودرو و ۱۰۰ دستگاه وسایل مهندسی و ۱۰۰ قبضه توپ ضد هوایی به غنیمت درآمد. کمیت و کیفیت شهدا و مجروحین عملیات کربلای ۵ نسبت به همه عملیات‌های دوران جنگ، بیشتر و بالاتر بود. در این عملیات ۳۵۰ تن از فرماندهان رده‌های مختلف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله حسین خرازی فرمانده دلاور و کم نظیر لشکر ۱۴ امام حسین (ع) که قبلاً در عملیات خیبر و در منطقه طلائی‌ه دست راستش را در راه خداوند داده بود و نیز حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ عبدالله میثمی مسئول دفتر نمایندگی حضرت امام در قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)، اسماعیل دقایقی فرمانده لشکر ۹ بدر، یدالله کلهر قائم مقام لشکر ۱۰ سید الشهداء (ع)، حاج قاسم

میرحسینی قائم مقام لشکر ۴۱ ثارالله، محمد فرومندی قائم مقام لشکر ۵ نصر، هاشم اعتمادی فرمانده تیپ امام حسن(ع)، محمدعلی شاه مرادی فرمانده تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم(ع)، خلیل مطهرنیا مسئول عملیات لشکر ۳۳ المهدی، مرتضی جاویدی قوی‌ترین فرمانده گردان خط شکن لشکر المهدی، نوری جانشین لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص)، ذوالانوار رئیس ستاد لشکر ۱۹ فجر به همراه سه برادر و دامادشان، محمدی‌زاده جانشین لشکر ۷ ولیعصر، اسلام نصب و نوزاد و ... به شهادت رسیدند. عملیات کربلای ۵ هم پرهزینه و هم پرتلفات بود به طوری که در این عملیات حدود ۱۲ هزار نفر به شهادت رسیده یا مفقود گردیدند و نزدیک به ۱۵ هزار نفر زخمی شدند (پیشین: ۱۳۰). سال ۱۳۶۵ پر تلفات‌ترین سال جنگ بود. در این سال حدود ۴۰ هزار نفر از مردم ایران در جریان عملیات‌ها و بمباران‌ها به شهادت رسیدند. این عملیات نتوانست به اهداف خود برسد و راهی برای پایان دادن فوری به جنگ باز کند و یکی از پیامدهای آن، به بن بست رسیدن امکان انجام عملیات‌های بزرگ در جبهه‌های جنوب بود.



جنگ شهرها

همزمان با آغاز عملیات کربلای ۵، ارتش عراق جنگ شهرها را به صورت گسترده‌ای آغاز کرد. در همان روز ۱۹/۱۰/۱۳۶۵ که عملیات کربلای ۵ آغاز شد جنگنده‌های عراقی شهرهای سوسنگرد و دزفول را بمباران کردند (هاشمی، ۱۳۸۸: ۴۱۸). از اوایل سال ۱۳۶۵ اتحاد جماهیر شوروی تعداد بیشتری هواپیماهای مدرن میگ ۲۵ و سوخوی ۲۲ را در اختیار ارتش عراق قرار داد. این هواپیماها برای حمله به مراکز اقتصادی و مناطق مسکونی ایران مورد استفاده ارتش بعثی قرار می‌گرفت. دولت عراق با توسعه برد موشک‌های زمین به زمین و نیز دریافت هواپیماهای پیشرفته‌تر میراژ، جنگ شهرها را از زمستان سال ۱۳۶۵ به عنوان اقدامی جهت ایجاد فشار عظیم به مردم حامی رزمندگان، گسترش داد. با این سیاست، رژیم عراق حتی شهرهای مرکزی و دور دست ایران را با حملات مداوم موشک‌های دوربرد و بمباران با کمک هواپیماهای میگ ۲۵، مورد تهاجم مرتب قرار می‌داد به طوری که در آن ایام فقط در یکی از بمباران‌ها در شهر کرمانشاه، هفتاد و دو نفر از مردم آن شهر به شهادت رسیدند. نیروی هوایی ارتش عراق، در روز شنبه ۲۰ دی ماه ۱۳۶۵ مدرسه کودکان استثنائی در بروجرد را بمباران کرد که بر اثر آن ۷۰ کودک شهید و مجروح شدند (پیشین: ۴۱۹).

حضور کشتی‌های جنگی قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس

از اواخر سال ۱۳۶۵ فشار امریکا بر ایران آرام آرام افزایش یافت و شرایط بویژه در خلیج فارس به ضرر ایران تغییر کرد. عراق با استفاده از حمایت منطقه‌ای کشورهای عربی و نیز پشتیبانی‌های بین‌المللی بخصوص از سوی کشورهای فرانسه، شوروی و امریکا به یک عمق استراتژیک سیاسی دست یافت که توانست موضع خود را نسبت به ایران در مجامع بین‌المللی تقویت نماید. حمایت اطلاعاتی امریکا از عراق توسعه یافت و مرحله جدیدی از ارسال سلاح به این کشور از سوی شوروی و فرانسه و توسعه ارتش آن کشور آغاز شد. علاوه بر آن آمریکا به بهانه حمایت از امنیت جریان انتقال نفت، کشتی‌های جنگی خود را وارد خلیج فارس کرد. کویت در روز ۲۳ دیمه سال ۱۳۶۵ همزمان با درخواست از شوروی برای اسکورت نفتکش‌هایش، درخواست مشابهی را از سفارت امریکا کرد تا نفتکش‌های این کشور با نصب پرچم امریکا از حمایت ناوگان جنگی ایالات متحده در خلیج فارس برخوردار شوند. امریکا بمنظور جلوگیری از توسعه نفوذ شوروی و احیای نفوذ این کشور در خلیج فارس و همچنین نگرانی از به خطر افتادن انتقال نفت به دنیای صنعتی و با جدی شدن جنگ نفتکش‌ها، در ۱۶ بهمن ۱۳۶۵ به کویت اطلاع داد که ۱۱ فروند نفتکش آن کشور را تحت حمایت قرار خواهد داد. شوروی از ۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۶ برابر با ۱۵ آوریل ۱۹۸۷، اسکورت نفتکش‌های کویتی را عملاً آغاز کرد. ایران در واکنش به اقدامات عراق در حمله به نفتکش‌ها، چاره‌ای جز هدف قرار دادن نفتکش‌های کشورهای حامی عراق نداشت. زیرا به ظاهر هیچ کشتی عراقی در خلیج فارس تردد نمی‌کرد و هیچ کشتی دیگری عازم بنادر عراق نمی‌شد. بازرسی کشتی‌ها از سوی نیروی دریایی ایران، مانع حمله عراق به نفتکش‌ها و تأسیسات نفتی ایران در خلیج فارس نمی‌شد. ایران از رویارویی مستقیم با ناوهای جنگی امریکا و شوروی در خلیج فارس خودداری می‌کرد و نیروی دریایی سپاه ناچار شد تا جنگ ویژه دریایی را برای کاهش حملات عراق به نفتکش‌ها طرح‌ریزی نماید. با تشدید حملات عراق به تأسیسات نفتی ایران، مسیر نفتکش‌هایی که نفت کشورهای حامی عراق را حمل می‌کردند، مین‌گذاری گردید.^۱ با شروع عملیات محافظت از کشتی‌ها، یکی از ۴ نفتکش تحت پرچم شوروی به اسم مارشال چخوف در ۱۳۶۶/۲/۲۶ در منطقه شمالی خلیج فارس در ۳۵ مایلی سواحل

۱. مین‌های دریایی بکار گرفته شده در خلیج فارس از نوع مین‌های قدیمی بکار رفته در جنگ دوم جهانی و با حدود ۲۰۰ کیلوگرم مواد منفجره و از نوع مین‌های شناور تماسی - مغناطیسی بود. در طول جنگ از مین‌های فشاری و صوتی که پاکسازی آنها بسیار مشکل است استفاده نشد. امریکا و کشورهای اروپایی همیشه مدعی بودند که امکان مین رویی مسیرهای کشتیرانی را دارند و مین‌های قدیمی موجود در خلیج فارس را به راحتی می‌توانند کشف و ختنی سازند.



کویت با یک مین دریایی برخورد کرد و به شدت آسیب دید. در انتهای این نفتکش حفره بزرگی ایجاد شد اما به خدمه آن آسیبی وارد نشد. این حادثه موجب شد شوروی از ادامه اسکورت کشتی‌های کویتی خودداری نموده و بدون سر و صدا خود را از احتمال وقوع حوادث بعدی، کنار بکشد. تصمیم شوروی راه را برای فعال شدن ناوگان نظامی آمریکا در خلیج فارس، هموار کرد. از این زمان آمریکا تصمیم گرفت موافقت‌نامه خود با کویت را مبنی بر اسکورت نفتکش‌های آن کشور به مرحله اجرا در آورد. با هدف قرار گرفتن نفتکش تحت پرچم شوروی در خلیج فارس، فردای آن روز در ساعت حوالی ۲۱ یکشنبه شب مورخه ۱۳۶۶/۲/۲۷ یک فروند هواپیمای میراژ ۱ - F عراقی که از پایگاه شعیبیه در نزدیکی بصره به پرواز در آمده بود، به ناو آمریکایی استارک در ۸۵ مایلی شمال شرقی بحرین و ۶۰ مایلی جنوب منطقه انحصاری ایران، حمله و آن را هدف دو فروند موشک اگزوسه فرانسوی^۱ قرار داد. آمریکا عذرخواهی عراق را پذیرفت و برای فشار بیشتر به ایران آماده شد. از سوی دیگر آمریکا به بهانه کنترل خطوط کشتیرانی در خلیج فارس، از اوایل سال ۱۳۶۶ و به تدریج نزدیک به ۴۰ فروند از کشتی‌های جنگی خود را با حدود ۲۵ هزار نظامی در منطقه مستقر نمود. آمریکا تهدید کرد در صورت حمله ایران به نفتکش‌های تحت پرچم آمریکا، اقدامات تلافی‌جویانه به عمل خواهد آورد. با مداخله نظامی در خلیج فارس، آمریکا در ردیف نزدیک‌ترین متحد عراق در جنگ علیه ایران قرار گرفت. اولین کاروان کشتی‌های کویتی با پرچم آمریکا در تاریخ ۱۳۶۶/۴/۳۰ به فاصله یک روز پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل و با حضور خبرنگاران بین‌المللی از خورفکان در دریای عمان عازم تنگه هرمز شد. ساعت ۷:۳۰ صبح روز چهارشنبه ۱۳۶۶/۴/۳۱ با فرمان رئیس جمهور آمریکا اسکورت دو فروند کشتی کویتی با نام‌های بریجتون و گازپرنس از سواحل کشور عمان آغاز گردید.^۲ در حالی که ۲۰۰ خبرنگار برای پوشش خبری به کشورهای جنوب خلیج فارس اعزام شده بودند، کشتی بریجتون در ادامه مسیر خود به سمت کویت در روز جمعه ۶۶/۵/۲ در ۸۰ مایلی جنوب شرقی کانال ورودی به بندر احمدی و در ۱۸ مایلی جزیره فارسی، ناگهان

۱. هر موشک اگزوسه حدود ۳۰۰ پوند مواد منفجره با خود حمل می‌نمود و محل اصابت این موشک‌ها معمولاً در کنار آبخور کشتی قرار می‌گیرد.
۲. این پانزدهمین مأموریت خلبان میراژ عراقی در حمله به کشتی‌ها در خلیج فارس بود و هواپیمای عراقی ۲ موشک اگزوسه یعنی دو برابر ظرفیت تعیین شده آن مهمات حمل می‌کرده است. خلبان عراقی ادعا کرد هیچ علامت و هشدار در حین نزدیک شدن به هدف از ناو استارک دریافت نکرده است. این خلبان ادعا کرده ناو استارک در ۵ تا ۱۰ مایلی داخل منطقه انحصاری ایران قرار داشته و پس از شلیک، سالم به پایگاه خود باز گشته است.
۳. بریجتون نفتکشی با وزن ۴۱۴۲۶۶ تن و جزو بزرگ‌ترین نفتکش‌های دنیا و گاز پرنس مخصوص حمل گاز با وزن ۴۸۲۳۳ تن بود.



با مین‌های سرگردان در خلیج فارس برخورد کرد. بر اثر اصابت مین سوراخ بزرگی در بدنه این نفتکش ایجاد شد و ۴ مخزن از ۳۱ مخزن آن را آب فرا گرفت. شدت انفجار به حدی بود که برخی از خبرنگاران و ملوانان از روی عرشه نفتکش به دریا پرتاب شدند. با برخورد کشتی بریجتون به مین، عراق حملات خود به نفتکش‌ها را برای حدود ۳۵ روز متوقف نمود ولی آمریکا این حادثه را به ایران نسبت داد و در صدد مقابله بیشتر با ایران برآمد. در مجموع اسکورت نفتکش‌های کویتی از سوی آمریکا و شوروی، نتوانست به جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس پایان دهد و جلوی مقابله به مثل را بگیرد.

بررسی روند پایان جنگ

هر جنگی روزی به پایان می‌رسد. باید توجه داشت که تعداد معدودی از جنگ‌ها با نابودی نیروهای نظامی دشمن پایان یافته‌اند. جنگ‌ها هنگامی پایان می‌یابند که ترکیبی از عوامل سیاسی، نظامی و اجتماعی باعث متلاشی شدن توان برای ادامه جنگ می‌شوند. مهم‌ترین موضوع برای آغازگر جنگ و همچنین قربانی تجاوز، این است که چه راهبرد و برنامه‌ای برای پایان دادن به جنگ دارند. هر کشوری که بتواند بهتر و بیشتر به راه‌های پایان دادن به جنگ فکر کند، می‌تواند جنگ را با «هزینه کمتر» و با «نتایج بهتر» و در «شرایط مناسب‌تر» به پایان برساند. طرح عراق برای پایان دادن به جنگ، توسعه جنگ نفتکش‌ها، جنگ شهرها، ناتوان‌سازی قدرت اقتصادی ایران از طریق حمله به تأسیسات نفتی، برنامه‌ریزی برای بازپس‌گیری سرزمین‌های در اختیار ایران، جلب حمایت قدرت‌های بزرگ و ایجاد نگرانی در ایرانیان از طریق توسعه جنگ شیمیایی بود. با این سیاست، ارتش عراق علاوه بر حمله مداوم به مناطق مسکونی در شهرهای مختلف ایران و تداوم جنگ نفتکش‌ها و بمباران مراکز اقتصادی و تأسیسات نفتی ایران از تابستان سال ۱۳۶۶ حمله شیمیایی به غیر نظامیان را نیز آغاز نمود. در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر هفتم تیر ماه سال ۱۳۶۶ هواپیماهای جنگی ارتش بعثی عراق چهار نقطه شهر سردشت و سه نقطه در روستاهای اطراف آن را در استان آذربایجان غربی و در کنار مرز با عراق مورد حمله ۶ بمب شیمیایی با گاز خردل و تاول‌زا قرار دادند. دو بمب در بازار و دو بمب دیگر به دو منطقه مسکونی اصابت کرد و بقیه در باغ‌های مجاور شهر افتاد. در همان لحظات اولیه ۱۲ نفر شهید و ۲۰۰۰ نفر زخمی شدند. این در حالی بود که ارتش عراق در همه جبهه‌های جنگ از سلاح شیمیایی به عنوان یک ابزار موثر علیه رزمندگان استفاده می‌کرد (السامرای، ۱۳۸۸: ۱۶۴).



قدرت‌های بزرگ پس از آنکه انجام دو عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ را به عنوان تحولی مهم در صحنه نظامی جنگ از سوی ایران ارزیابی کردند، احساس نمودند ایران می‌تواند در جنگ، پیروز گردد. با پیروزی‌های نظامی ایران، امریکا و شوروی به این نتیجه رسیدند که ادامه جنگ به صلاح سیاست جهانی آنها نیست و باید متوقف شود. بنابراین در اجلاس ریکیاویک در ایسلند در اواخر سال ۱۳۶۵، ریگان رئیس جمهور امریکا و گورباچف رئیس جمهور شوروی طی ملاقاتی توافق کردند جنگ ایران و عراق، بدون برنده و بازنده خاتمه یابد. بر اساس این تصمیم بود که پیش‌نویس قطعنامه ۵۹۸ با اقدام فعال آلمان غربی تهیه و تدوین گردید. پس از گذشت حدود پنج ماه از عملیات کربلای ۵، سرانجام قطعنامه ۵۹۸ در ۲۸ تیرماه سال ۱۳۶۶ برابر با ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد به منظور خاتمه دادن به جنگ عراق با ایران، صادر شد. همه قطعنامه‌های صادر شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل در باره جنگ عراق با ایران به جز قطعنامه ۵۹۸ بر مفاد ماده‌های ۳۴ و ۳۷ منشور ملل متحد تأکید داشت. اما در قطعنامه ۵۹۸ بر اساس ماده ۳۹ فصل ۷ منشور سازمان ملل اعلام شد که در منازعه ایران و عراق مواردی از نقض صلح انجام شده است. پیش‌نویس قطعنامه در غیاب ایران، نوشته و توسط دولت عراق به نفع آن کشور بهبود یافت و به تصویب رسید و در اوج قدرت نظامی ایران، همچنان محتوای قطعنامه، تأمین کننده منافع عراق بود. اما با تغییر موقعیت جبهه‌های جنگ، تا حدودی مورد توجه ایران هم قرار گرفت (خرم، ۱۳۸۸: ۱۱۴). فشارهای دیپلماتیک آمریکا از عوامل مؤثر تصویب قطعنامه ۵۹۸ بود. پس از صدور قطعنامه ۵۹۸، امریکا تصمیم گرفت از قدرت نظامی خود برای وادار کردن ایران به پذیرش آن استفاده نماید. بر این اساس، ناوگان نظامی امریکا در خلیج فارس تقویت و به آن مأموریت‌های بیشتری واگذار گردید. در چنین شرایطی، کشتی‌های جنگی امریکا بعنوان پلیس خلیج فارس وارد عمل شدند. آنها در تلاش بودند فعالیت‌های جنگی ایران در مقابله با اقدامات عراق را مهار نموده و جلوی واکنش‌های نظامی ایران را بگیرند. لازم به ذکر است که در طول هشت سال جنگ عراق علیه ایران، شورای امنیت سازمان ملل هفت قطعنامه صادر کرد که تنها مفاد آخرین آنها یعنی قطعنامه ۵۹۸ بر مبنای فصل هفت منشور ملل متحد بود. قطعنامه‌هایی که بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد صادر می‌شوند، جنبه اجرائی داشته و دستور شورای امنیت سازمان ملل تلقی گردیده و به منزله تصمیم جامعه جهانی می‌باشد. در این حالت شورای امنیت خودش در مورد محتوای



قطعنامه بررسی، قضاوت و در نهایت حکم صادر می‌کند. در مجموع مواضع شورای امنیت سازمان ملل در طول دوران جنگ در جانبداری از طرف متجاوز یعنی عراق بود و ایران را در دفاع از خود تنها گذاشت. شورای امنیت در شروع جنگ، تجاوز عراق را محکوم نکرد و عملاً جنگ را مشکلی بین ایران و عراق دانست و در جنایات جنگی عراق از جمله بکارگیری تسلیحات شیمیایی نیز اقدام لازم و مناسب را جهت جلوگیری از ادامه آنها انجام نداد.

کشتار حجاج ایرانی در مکه

در ادامه فشارها بر ایران از سوی کشورهای حامی عراق، عربستان سعودی علاوه بر فروش نفت به حساب عراق و پشتیبانی مالی از این کشور تصمیم گرفت فضای حج را برای حجاج ایرانی ناامن سازد و جلوی مراسم برائت از مشرکین را بگیرد. با این سیاست در حالی که در ۶ مرداد ماه سال ۱۳۶۶ نماینده امام(ره) و سرپرست حجاج ایرانی، مشغول قرائت پیام امام خمینی در جمع زوار ایرانی در میدان معاهده مکه بود، نیروهای انتظامی و امنیتی عربستان راه‌ها را بسته و با شکستن حرمت کعبه و حرم امن الهی به حجاج ایرانی حمله کردند. در این جنایت حدود ۴۰۰ نفر از زنان و مردان زائر به شهادت رسیدند و نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از زائرین مجروح شدند. با این اقدام که پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ صورت گرفت، دولت عربستان در هماهنگی با برنامه‌های آمریکا و عراق تلاش نمود تا حتی ایام حج را تبدیل به یک فشار جدید علیه ایران بنماید.

جنگ آمریکا با ایران

در پی اقدامات همه جانبه ایالات متحده در حمایت از رژیم عراق، آمریکا از اواخر شهریور ۱۳۶۶ در منطقه خلیج فارس به صورت رسمی با ایران وارد جنگ شد. در ساعت ۲۳:۳۵ روز دوشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۶۶ دو فروند بالگرد جنگی آمریکایی که از عرشه ناو فریگت چارت پرواز کرده بودند، به کشتی لجستیکی ۸۰۰ تنی «ایران اجر» وابسته به نیروی دریای ارتش، در فاصله ۱۰۰ کیلومتری شمال شرقی بحرین حمله کرده و ۵ نفر از ملوانان آن را به شهادت رساندند که دو نفر از آنها مفقود شدند. سپس ناوهای جنگی آمریکا این کشتی را که مدعی بودند قصد مین‌ریزی داشته، منهدم و ۲۶ نفر از کارکنان باقیمانده آن را، با خود بردند. در ۱۶ مهر ۱۳۶۶ دو فروند بالگرد جنگی بی صدای آپاچی



امریکایی به سه فروند قایق تندرو نیروی دریایی سپاه پاسداران در اطراف جزیره فارسی در عمق خلیج فارس در اوایل تاریکی شب حمله کردند. در این حمله رزمندگان نیروی دریایی سپاه یک فروند از بالگردهای امریکایی را هدف یک فروند موشک استینگر^۱ قرار داده و آن را سرنگون نمودند. در پی این اقدام، ۵ فروند بالگرد امریکایی دوباره به قایق های سپاه حمله و تعدادی از سرنشینان آنها را شهید و مجروح نموده و سپس آنها را به همراه قایق‌ها و سایر خدمه‌ها به اسارت بردند. پس از این اقدام و در واکنش به حملات عراق به نفتکش‌های حامل نفت ایران، در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۲۳ نفتکش امریکایی سانگاری که در آب‌های اطراف بندر احمدی کویت لنگر انداخته بود، مورد اصابت یک فروند موشک کرم ابریشم قرار گرفت و دچار آتش سوزی شد اما کسی آسیب ندید. روز بعد در ۱۳۶۶/۷/۲۴ نفتکش سی اوایل سیتی متعلق به کویت هم که پرچم امریکا روی آن نصب گردیده بود، مورد اصابت یک فروند موشک کرم ابریشم^۲ ایران قرار گرفت که موجب جراحت ۱۹ تن از جمله ناخدا و وارد شدن خسارت به کشتی شد. این کشتی پس از اسکورت ناوگان جنگی امریکا وارد سواحل کویت شده بود. در همین روز کشتی‌های مین روب فرانسه مدعی کشف ۴ مین شدند. در واکنش به این حوادث، آمریکا اعلام کرد حمله به شناور تحت پرچم آن کشور را تلافی خواهد کرد و سه روز بعد در ۲۷ مهر ۱۳۶۶، چهار ناو شکن امریکایی به اسامی کید، لفت ویچ، یانگ و هول پس از اخطار به کارکنان دو سکوی نفتی ایران مبنی بر تخلیه سکوها به پایانه‌های نفتی رشادت و رسالت در منطقه میانی خلیج فارس حمله کردند و با ۱۰۶۵ گلوله توپ و سپس با عملیات انفجاری تأسیسات نفتی آنها را منهدم کردند. این عملیات ۸۵ دقیقه طول کشید. بر اثر این حمله، سکوی میدان نفتی رشادت که روزانه ۲۰ الی ۲۵ هزار بشکه تولید داشت دچار آتش سوزی گسترده‌ای شد و بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار به ایران، خسارت وارد گردید.^۳

۱. این موشک‌های دوش پرتاب سبک، ساخت امریکا بود که ایالات متحده آنها را در اختیار مجاهدین افغانی قرار داده بود تا علیه بالگردهای روسی در جریان اشغال افغانستان، استفاده نمایند. سپاه ۶ قبضه از این موشک‌ها را در ۱۶ فروردین ماه ۱۳۶۶ از مجاهدین افغانی خریداری کرده بود که در نیروی دریایی سپاه آنها را بکار گرفت. ۲. این موشک‌ها ساخت کشور چین بود و چند سال پس از آنکه عراق چنین موشک‌هایی را در شمال خلیج فارس بکار می‌گرفت، ایران نیز درصدد خرید آنها برآمد و از سال ۱۳۶۵ آنها را بکار گرفت. در دوران جنگ، چین از طریق فروش سلاح به عراق و ایران، سود سرشاری را نصیب خود کرد و توانست صنعت نظامی خود را بهسازی و گسترش دهد. ۳. لازم به ذکر است که امریکا هیچگاه خسارات وارد کرده به ایران در حملات به سکوها نفتی و ناوها و کشتی‌ها و قایق‌های ایرانی در دوران جنگ را پرداخت نکرد.



توسعه جنگ شهرها و حملات موشکی به تهران و قم

علیرغم فشارهای عراق و حامیانش، ایران تنها چاره را در انجام عملیات‌های بزرگ و مقاومت در برابر طرح‌های برنامه‌ریزی شده دشمن می‌دید. همزمان با آماده شدن نیروهای ایران برای انجام عملیات والفجر ۱۰، هواپیماهای جنگی عراقی در روز شنبه ۱۳۶۶/۱۲/۸ به پالایشگاه تهران حمله کردند. این حمله موجب سهمیه‌بندی فرآورده‌های نفتی شد. سپس عراق در روز دوشنبه ۱۳۶۶/۱۲/۱۰ چهار نقطه مسکونی تهران را برای اولین بار هدف موشک‌های زمین به زمین قرار داد. ایران نیز در همین روز در واکنش به هدف قرار گرفتن تهران، به شهر بغداد یک فروند موشک اسکادبی پرتاب کرد. عراق در ۱۳۶۶/۱۲/۱۱ هم ۱۲ موشک به مناطق مسکونی تهران پرتاب نمود که بر اثر آن ۳۶ نفر شهید و ۷۰ نفر مجروح شدند. ایران هم تصمیم گرفت روزانه سه موشک با فاصله زمانی مناسب روانه بغداد نماید (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۹: ۴۹۹-۵۰۷). از روز شنبه ۱۳۶۶/۱۲/۲۲ جنگ شهرها متوقف گردید. در این ایام برای اولین بار عراق ظرف حدود ۱۰ روز ۹۰ موشک زمین به زمین به تهران، قم و سایر شهرها پرتاب کرد. در چنین شرایطی ایران همچنان راه حل اساسی جنگ را در تداوم عملیات در جبهه‌ها می‌دانست. اما با آغاز عملیات والفجر ۱۰ در ۱۳۶۶/۱۲/۲۳ آتش‌بس در جنگ شهرها ادامه نیافت و پس از چند ساعت با پرتاب موشک از سوی عراق به تهران، دوباره جنگ شهرها شروع شد (پیشین: ۵۲۲). در این مدت، عراق ۱۰۵ موشک به سمت شهرهای ایران پرتاب کرد. عراق از ۱۳۶۷/۱/۲۱ دوباره جنگ شهرها را شروع کرد که تا ۱۳۶۷/۱/۳۱ ادامه یافت. به هر حال، عراق از تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۶۶ تا اول اردیبهشت ۱۳۶۷ بجز چند روز، به مدت ۵۱ روز به طور بی وقفه به شهرهای ایران حمله می‌کرد. در این مدت رژیم عراق ۱۰۰ موشک به تهران و حدود ۱۰۰ موشک هم به شهرهای مرکزی ایران به ویژه قم پرتاب نمود و خسارات زیادی را به بار آورد. جنگ شهرها مصیبت زیادی را برای مردم ایران به همراه داشت. در این مدت ایران حداکثر ۵۰ موشک به سمت شهرهای عراق شلیک کرد.

حمله شیمیایی به حلبچه

پس از پیروزی ایران در عملیات والفجر ۱۰، ارتش عراق گسترده‌ترین حمله شیمیایی خود را به مردم غیرنظامی شهر حلبچه در ۲۵ اسفند ماه سال ۱۳۶۶ انجام داد. این بمباران، پس از گذشت حدود ۷ ماه از تهاجم شیمیایی به سردشت صورت گرفت. در





این روز ۵۰ فروند هواپیمای عراقی که هر کدام ۴ بمب شیمیایی به وزن ۵۰۰ کیلوگرم را حمل می‌کردند، بمب‌هایی را که حاوی گازهای خردل، اعصاب و سیانور بود بر سر مردم حلبچه و روستاهای اطراف آن فرو ریختند (السامرای، ۱۳۸۸: ۱۲۵). ظرف مدت ۲ ساعت در جریان حملات شیمیایی ارتش عراق، بنا بر آمار خبرگزاری‌ها حدود ۵ هزار نفر از ساکنین حلبچه و روستاهای اطراف آن، جان خود را بر اثر استنشام گازهای شیمیایی از دست دادند و حدود ۷ هزار نفر دیگر نیز مجروح گردیدند.^۲ پس از حمله شیمیایی به حلبچه، ارتش عراق روستای انب در نزدیکی حلبچه را که عده‌ای از مردم حلبچه از ترس بمباران به آنجا فرار کرده بودند، در نزدیک غروب آفتاب هدف بمباران قرار داد و عده‌ای را در آنجا مصدوم نمود. در مجموع در طول جنگ، بیش از ۳۰ تهاجم شیمیایی علیه هدف‌های غیر نظامی در داخل خاک ایران، از سوی ارتش بعثی عراق صورت گرفته است. طی جنگ تحمیلی، بیش از ۱۱۰ هزار نفر از ایرانیان در معرض سلاح‌های شیمیایی قرار گرفتند. در حال حاضر در بنیاد شهید پرونده ۴۸۴۲۰ نفر به عنوان جانباز شیمیایی ثبت گردیده است. رژیم بعثی عراق در طول جنگ از سه نوع سلاح شیمیایی استفاده نمود. نوع اول سلاح‌هایی هستند که بر روی پوست انسان اثر می‌گذارند نوع دوم سلاح‌هایی هستند که روی نظام عصبی بدن اثر دارند و نوع سوم گازهایی که باعث اختلال در نظام تنفسی بدن می‌شوند. رژیم صدام از گازهای خردل، سارین و سیانور بیشترین استفاده را در جریان جنگ تحمیلی نمود. در مجموع بر اساس آمارهای سازمان ملل متحد، رژیم عراق در طول جنگ مجموعاً ۱۸۰۰ تن گاز خردل، ۶۰۰ تن گاز سارین و ۱۴۰ تن گاز تابون در قالب نزدیک به ۱۰۰ هزار بمب راکت و گلوله به کار برده است (رزونامه اعتماد، ۱۳۸۷: ۱۰).

حمله ارتش عراق به مواضع قوای ایران

عراق در سال آخر جنگ با انباشت انواع سلاح‌ها و گسترش سازمان رزم خود، قادر شد تا ۳۰۰ گردان آفندی علاوه بر نیروهای پدافندی جهت انجام عملیات اختصاص دهد. این در شرایطی بود که ایران حداکثر ۱۲۰ گردان آفندی در اختیار داشت که با کمک آنها در هر یک سال می‌توانست یک عملیات بزرگ را طرح‌ریزی و اجرا نماید. بر همین اساس، در سه ماه آخر جنگ، ارتش عراق راهبرد خود را از اتخاذ شیوه‌های دفاعی دوباره به

۱. استفاده از این تعداد هواپیما خیلی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد. یک فروند هواپیما برای انجام چنین جنایتی کافی است.
۲. احتمالاً آمار واقعی شهدا و مجروحین کمتر از این تعداد است.

روش‌های تهاجمی تبدیل و تاکتیک جنگی خود را از حمله در یک جبهه به حمله هم زمان در چند جبهه تغییر داد (رشید، ۱۳۸۸: ۵۰). در اوایل فروردین ماه ۱۳۶۷ مطابق با دهه سوم ماه مارس ۱۹۸۸ عراق، اطلاعاتی را از سازمان اطلاعات مرکزی امریکا CIA دریافت نمود که نشان می‌داد ایران بخشی از واحدهای توپخانه خود را از شرق اروندرود به عقب کشیده است. در روز یکشنبه ۲۸ فروردین ماه سال ۱۳۶۷، ارتش عراق به منطقه عملیاتی والفجر ۸ و به مثلث فاو، حمله کرد. از آنجا که این تهاجم در ۱۷/۴/۱۹۸۸ برابر با روز اول ماه مبارک رمضان آغاز شد. ارتش عراق با ۴۰ هزار نفر نیرو و با کمک ۱۴۵۰ تانک و نفربر و ۳۵ گردان توپخانه و ۳۱۸ مورد حمله هوایی به مواضع نیروهای ایرانی حمله کرد. ارتش عراق با بکارگیری گازهای شیمیایی سیانور در خط اول دفاعی قوای ایران، خط را شکسته و با استفاده از گازهای خردل^۱ و آتش سنگین توپخانه و همچنین واحدهای زمینی، توانست در بعد از ظهر روز ۲۹ فروردین ماه سال ۱۳۶۷ منطقه فاو را از دست نیروهای ایرانی خارج و آن را باز پس بگیرد (پیشین: ۱۴۳). حمله به فاو سرآغاز حملات عراق به مواضع قوای ایران بود که به مدت حدود سه ماه ادامه یافت و در طی آن عراق موفق شد تمام سرزمین‌های خود را تصرف نماید. با عملیات گسترده و پیوسته ارتش عراق به مواضع نیروهای ایران در جبهه‌های مختلف، نیروهای مسلح ایران دچار انفعال شدند. روحیه رزمندگان تضعیف گردید. ارتش حدود ۵۰۰ تانک و نفربر و بسیاری از تجهیزات انفرادی خود را از دست داد و حدود ۱۷ هزار نفر اسیر شدند. این امر باعث شد تا ایران از منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ و مناطق شمالغرب عقب‌نشینی نماید و آماده پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شود.

حمله ناو جنگی آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران

آخرین اقدام مداخله جویانه امریکا به نفع رژیم عراق، حمله ناو چند منظوره وینسنس به هواپیمای مسافربری ایران در نزدیکی بندرعباس بود. این حمله پس از درگیری آمریکا با کشتی‌ها و قایق‌های جنگی ایران و حمله به سکوها نفتی جمهوری اسلامی، سومین درگیری گسترده امریکا با ایران محسوب می‌شد. در ۱۲ تیرماه ۱۳۶۷ ناو چند منظوره امریکا در منطقه تنگه هرمز با شلیک دو موشک، هواپیمای مسافربری ایرباس جمهوری اسلامی را با ۲۹۰ مسافر مورد اصابت قرار داد که همگی سرنشینان آن به شهادت رسیدند.

۱. گاز سیانور بسیار کشنده بوده و آثار آن ظرف ۱۰ دقیقه از بین می‌رود، در حالیکه آثار گازهای خردل تا یک هفته باقی می‌ماند.

در این اقدام جنایتکارانه ۲۹۰ نفر از سرنشینان هواپیما از جمله ۵۵ کودک جان باختند. در مجموع امریکا حدود ۹ ماه به طور مستقیم وارد جنگ با ایران در خلیج فارس شد. در این مدت ۱۲ برخورد نظامی بین ایران و امریکا بوجود آمد که خسارات زیادی را برای ایران و برای اعتبار امریکا در بر داشت.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸

با عقب‌نشینی رزمندگان از مناطق عملیاتی غرب و شمالغرب و با عنایت به نامه فرمانده سپاه که پیروزی نظامی نزدیک را وعده نمی‌داد، ایران در روز دوشنبه ۲۷ تیرماه سال ۱۳۶۷ با ارسال نامه‌ای به آقای خاویر پرز دکوئیار دبیرکل وقت سازمان ملل، موافقت خود را با قطعنامه ۵۹۸ به صورت رسمی اعلام نمود. نامه ایران از سوی آقای محلاتی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در ساعت ۲ بعد از نیمه شب با مراجعه به خانه دبیرکل سازمان ملل و بیدار کردن وی تحویل او شد. به هر حال، ایران با عدم توجه به فرصت‌های مناسب جهت پایان دادن به جنگ در بهترین زمان، ناچار به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ضعیف‌ترین وضعیت گردید. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، اگرچه به یکباره اتفاق افتاد اما نتیجه فرآیندی بود که در سال‌های پایانی جنگ آغاز شده و به تدریج موازنه قوا به نفع رژیم بعثی عراق تغییر کرده بود. عراق توانست در این سال‌ها همه توان دولت و ارتش خود را وارد جنگ نماید، نفرات و سربازان بیشتری نسبت به ایران را در جنگ به کار گیرد، پول بیشتری خرج جنگ نماید و منابع مالی زیادتری را بکار گیرد و حمایت‌های بین‌المللی بیشتری را جذب کند و امید ایران را برای پیروزی نظامی بر رژیم صدام حسین، از بین ببرد. علاوه بر این، در ایران، نیمی از اعتبارات دفاعی به بخشی از نیروهای مسلح اختصاص می‌یافت که عملاً کارآمدی لازم و متناسب با میزان بودجه مصرفی را نداشت. طبیعی بود که در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران، پذیرش آتش‌بس را به نفع کشور ارزیابی نماید و قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد. تصور بر آن بود که با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، حکومت صدام که پس از ناکامی‌های بی‌شمار، سال‌ها حرف از آتش‌بس می‌زد از این اقدام ایران استقبال نمود و تبادل آتش در جبهه‌های جنگ خاتمه خواهد یافت و فوراً آتش‌بس برقرار خواهد شد، اما اینگونه نشد. دولت عراق با تصور این که ایران به دلایل شکست‌های نظامی چند ماه گذشته در جبهه‌های جنگ و همچنین شرایط نابسامان اقتصادی، تن به آتش‌بس داده، فرصت را مغتنم شمرده و حملات گسترده دیگری را به



مراکز صنعتی و مواضع قوای ایران آغاز نمود. نیروی هوایی عراق بلافاصله به تأسیسات و ساختمان‌های نیروگاه اتمی بوشهر حمله کرد و با ۱۲ جنگنده ۲۳ بمب بر روی این نیروگاه فرو ریخت که بطور کلی ویران شد. همچنین ارتش عراق درست سه روز پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، تهاجم مجدد و گسترده خود را در سحرگاه روز جمعه ۶۷/۴/۳۱ آغاز نمود و از دو محور کوشک و شلمچه در جنوب استان خوزستان، پیشروی به داخل خاک ایران را آغاز نمود. در چنین شرایطی علاوه بر تهاجم یگان‌های ارتش بعثی عراق به جبهه‌های جنوب و غرب، ارتش منافقین نیز، به منظور فتح تهران و سرنگونی جمهوری اسلامی، از مرزهای عراق وارد خاک ایران شد. ارتش عراق در موج جدید حملات خود از جنوب ایلام تا مهران و قصر شیرین را نیز به تصرف خود درآورد و راه را برای عملیات منافقین باز کرد. به نظر می‌رسید که دولت عراق قصد داشت با انجام تهاجمات جدید نظامی، امتیازات گسترده‌ای را از ایران بگیرد. ارتش عراق در حملات خود به منطقه خوزستان توانست ۱۷۷۲ نفر را به اسارت در آورد و در حملات به قصر شیرین و سرپل ذهاب نیز ۶۹۶۳ نفر از نیروهای ارتش را اسیر کرد. در مجموع، در حملات این ایام، ارتش عراق موفق شد حدود ۱۰ هزار نفر از سربازان ارتش را به اسارت خود درآورد. با ناکامی ارتش عراق در حمله مجدد به ایران و با شکست حمله منافقین در عملیات مرصاد، دولت عراق مجبور شد تا حدود یک ماه پس از پذیرش قطعنامه از سوی ایران، در روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۶۷ برقراری آتش‌بس را بپذیرد. در فاصله بین پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران تا اجرای آتش‌بس یعنی از ۲۷ تیر تا ۲۸ مرداد ماه ۱۳۶۷ نشست‌هایی در نیویورک بین نمایندگان ایران و عراق از طریق سازمان ملل و به صورت غیر مستقیم بر گزار شد. در این اثنا از سوی شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۱۸ مرداد ماه ۱۳۶۷، قطعنامه دیگری با شماره ۶۱۹ تصویب گردید. به موجب این قطعنامه ناظران نظامی سازمان ملل متشکل از ۴۰۰ نفر از ۲۵ ملیت مختلف در کشورهای ایران و عراق مستقر گردیدند. با انجام مذاکرات سه جانبه ایران، عراق و سازمان ملل، قوای طرفین به مرزهای دو کشور بازگشته و تحت نظارت ناظرین سازمان ملل، آتش‌بس بین دو کشور از روز ۶۷/۵/۲۸ در جبهه‌ها برقرار و عملاً جنگ بین دو کشور در ۱۳۶۷/۵/۲۹ پایان یافت. پس از برقراری آتش‌بس نیروهای نظامی هر دو کشور همچنان در مرزها مستقر بودند. با گذشت دو سال از ترک مخاصمه و از روزی که عراق حمله به کویت را شروع کرد، اسرای طرفین از ۱۱ مرداد ماه سال ۱۳۶۹ به تدریج آزاد گردیدند.

نتیجه گیری

دوره جنگ یکی از مقاطع فراموش نشدنی و بی نظیر تاریخ ایران و خود یک مقطع بسیار مهم از تاریخ معاصر است. مردم ایران در شرایطی که تازه با نهضت اسلامی خود توانسته بودند حکومتی جدید را با عنوان جمهوری اسلامی در کشور شکل دهند و هنوز ساختارهای سیاسی و نظامی جدید را آرایش نداده بودند و تحت فشارهای تبلیغاتی و اقتصادی برخی از قدرت‌های بزرگ قرار داشتند و آشوب‌های داخلی در بعضی از نقاط کشور در جریان بود، دچار تهاجم نظامی ارتش عراق گردیدند. در این شرایط یکی از آزمون‌های سخت ملت ایران به وقوع پیوست که با مقاومتی بی‌نظیر و پس از یک سلسله عملیات پی در پی، نیروهای مسلح ایران با کمک مردم، توانستند دشمن را از دسترسی به اهداف خود باز دارند. آنها با تمسک به آموزه‌های الهی از جمله آیه «إِذْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِنَاهِمٍ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»^۱ به دفاع در برابر تجاوز پرداختند. در ادامه این جنگ، علاوه بر نبردهای گسترده زمینی و بمباران‌های هوایی، عراق از موشک‌های زمین به زمین و سلاح‌های شیمیایی نیز استفاده کرد و در سال‌های پایانی جنگ، حمله به نفتکش‌ها و پایانه‌های نفتی در خلیج فارس را گسترش داد. حمله به مناطق مسکونی و مردم غیر نظامی تحت عنوان «جنگ شهرها» هم خسارات زیادی را به غیر نظامیان وارد کرد. طی دوران جنگ، ایران موفق شد با قدرت نظامی خود و با حضور مستقیم نیروهای مردمی در میدان‌های جنگ و نیز با حمایت گسترده آحاد مردم و با انجام حدود یکصد عملیات بزرگ، متوسط و محدود، تمام قوا و نیروهای ارتش متجاوز را از خاک ایران بیرون رانده و مانع دستیابی عراق از نیل به مقاصد و اهداف خود گردد. اگرچه عراق، ابتکار عمل را در ماه‌های آغازین جنگ در دست داشت اما نتوانست جنگ را آنچنان که خود می‌خواست ادامه دهد و به پایان برساند. سرانجام به دلیل مقاومت بی‌نظیر مردم، صدام در دام جنگی که خود آغاز کرده بود، گرفتار شد و سال‌های طولانی برای رهایی از آن تلاش کرد. در نهایت جنگ تحمیلی، با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد از سوی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۷ رو به پایان نهاد.

این جنگ خونین، جان صدها هزار نفر از مردم ایران و عراق را گرفت، هزاران خانه و کاشانه را ویران کرد و صدها میلیارد دلار خسارت به دو کشور وارد کرد و برای حدود یک دهه تحولات سیاسی خاور میانه را تحت تاثیر خود قرار داد. با وجود این،

۱. سوره حج آیه ۳۹.



پس از گذشت نزدیک به ۲۰۰ سال، جنگ تحمیلی، تنها جنگی است که ایران توانسته تمام سرزمین‌های خود را با تکیه بر ملت و قوای مسلح خود و در شرایط تحریم نسبی تسلیحاتی از دشمن بازپس بگیرد و حیثیت، موجودیت و بقای ملی خود را حفظ نماید. صدام حسین که هیچ دستاوردی از این جنگ نداشت، پس از گذشت حدود دو سال از آتش‌بس و پایان جنگ، طی ششمین نامه رسمی خود به رئیس‌جمهور وقت ایران، دوباره معاهده مرزی ۱۹۷۵ الجزایر را به عنوان مبنای مذاکرات دو کشور تأیید کرد و معاهده‌ای که خود در آستانه جنگ بی اعتبار خوانده بود را پذیرفت. گرچه هنوز ایران نتوانسته است خسارات جنگ را از عراق دریافت نماید اما اعلام رسمی دبیرکل سازمان ملل مبنی بر متجاوز بودن عراق، حقانیت ایران را در دفاع به ثبت رسانید. جنگ برای عراق جز خسارت چیزی نداشت. صدام پس از گذشت دو سال از پایان جنگ با ایران، هوس حمله به کویت را کرد و این کشور را به اشغال خود درآورد. این اقدام موجب شد عراق رو در روی جامعه بین‌المللی قرار گیرد و عزم جهانی برای پایان دادن به حکومت صدام افزایش یابد. در نهایت، صدام حسین جان خود را بر سر این جنگ گذاشت و در سال ۱۳۸۰ با اشغال عراق توسط آمریکا حکومت حزب بعث بر عراق خاتمه یافت و صدام حسین و فرزنداناش کشته شدند و ارتش بعث عراق هم که با ایران جنگیده بود منحل گردید.



منابع

- السامرای، وفیق (۱۳۸۸). **ویرانی دروازه شرقی**، مترجم: عدنان قارونی، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس. پارسا دوست، منوچهر (۱۳۷۱) **نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران**، تهران: شرکت سهامی انتشار. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴) **سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام**، تهران: موسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی.
- حاجی خداوردی خان، مهدی (۱۳۸۹) **مهران در تحولات جنگ ایران و عراق**، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- خمینی سید احمد (۱۳۷۵) **دلیل آفتاب، خاطرات یادگار امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. رحمانی قدرت‌الله (۱۳۸۳) **بی پرده با هاشمی رفسنجانی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات کیهان. رضایی، محسن (۱۳۸۷) **ناگفته‌های عملیات، فصلنامه نگین ایران**، سال ششم، شماره ۲۵.
- روزنامه اعتماد**، ۹ تیرماه ۱۳۸۷، مصاحبه با محمدرضا سروش، رئیس پژوهشکده مهندسی و امور پزشکی جانبازان.
- سفیری، مسعود (۱۳۷۸) **حقیقت‌ها و مصلحت‌ها، گفت و گو با هاشمی رفسنجانی**، تهران: نشر نی. **صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی (۱۳۷۸)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. عملیات رمضان از دیدگاه عراق: تحلیل نبردهای شرق بصره (۱۳۸۷)، **فصلنامه نگین ایران**، سال ششم، شماره ۲۵، ص/۱۲۰.
- ما و جنگ (۱۳۸۸) **اظهارات سردار احمد غلامپور در بهداروند مهدی**، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس.
- ما و جنگ (۱۳۸۸) **اظهارات سردار غلامعلی رشید در بهداروند مهدی**، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس.
- مصاحبه با دکتر علی خرم (۱۳۸۸)، **فصلنامه نگین ایران**، شماره ۲۸، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس. مصاحبه با دکتر علی خرم (۱۳۸۸)، **فصلنامه نگین ایران**، شماره ۲۸، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس. مصاحبه نگارنده با حجت الاسلام سید حسن خمینی، در تاریخ ۱۳۸۹/۸/۱۴ در جماران. هاشمی رفسنجانی اکبر (۱۳۷۸)، عبور از بحران، خاطرات ۱۳۶۰، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۰)، **خطبه‌های نماز جمعه سال ۱۳۶۱**، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.



هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۹) دفاع و سیاست، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۶، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
هاشمی، عماد (۱۳۸۸) خاطرات هاشمی رفسنجانی، اوج دفاع، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
هاشمی، عماد (۱۳۸۸) خاطرات هاشمی رفسنجانی، اوج دفاع، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
هاشمی، محسن؛ حمیدی، حبیب‌الله (۱۳۸۸) ماجرای مک فارلین، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶) پس از بحران، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶) به سوی سرنوشت، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، چاپ پنجم.

Washington.D.C (2009), **War Saddam's**: National Defense University.



۹۶

سال اول

شماره ۴

زمستان ۱۳۹۱